

سن ازدواج دختران

<?xml encoding="UTF-8?">

چند نکته 1. شماری از نویسندگان در شمارش سن مباحثی را مطرح کرده و در این که آیا سن براساس ماههای قمری بوده یا شمسی و چگونه به شمارش می آمده، تردیدهای بسیار روا داشته اند و در پایان نتیجه گرفته اند : چه بسا نه سال آن موقع 13 سال بوده است و آنچه امروز با عنوان نه سال تمام قمری مطرح می گردد ساخته دست فقیهان است!

صاحب جواهر، برای شمارش سن براساس ماههای قمری نوشته است : این امر معهود در شرع و معروف نزد عرب بوده است. معصوم (ع) نیز برابر عرف رایج آن عصر سال و ماه را مطرح می کرده و بنای وضع شمارش نجومی جدیدی را نداشته است. در آیات قرآن نیز اشاراتی به شمارش سال براساس ماههای قمری شده است، از جمله :

«هو الذي جعل الشمس ضياء والقمر نورا وقدره منازل لتعلموا عدد السنين والحساب» و یا «يسئلونك عن الاهلة قل هي موافيت للناس والحج».

2. شماری گویند : روزه گرفتن در نه سالگی برای دختر زیان آور است.

در جواب به این گروه باید گفت : سالیان سال دختران این مرز و بوم از نه سالگی روزه گرفته اند و زبانی هم بر آنان وارد نیامده است.

حال اگر موردی پیش آید که دختری بیماری یا ضعف جسمانی داشته باشد و روزه به وی زیان برساند، شارع مقدس خودبه چنین دختری اجازه روزه گرفتن نداده است. روایاتی که توان جسمانی را شرط واجب بودن روزه بیان می کند، به همین مطلب اشاره دارند. افزون بر آن قاعده کلی لاضرر در این گونه موارد بر دلیل واجب بودن روزه حاکم می گردد و چنین دختری، بنا به دستور شارع مقدس، نباید روزه بگیرد.

دلیل قول به 13 سالگی چون روایات، سن 9، 10 و 13 سال را مطرح کرده اند و شک در واجب بودن انجام دستورهای شرعی داریم، از این روی، بنابر اصل برائت یا استصحاب، می گوییم : تا پیش از 13 سال، دختر مکلف نگردیده است.

در جواب به این دلیل به ضعف در سند روایت، یکسانی زمان تکلیف دختر و پسر که مخالف اجماع فقیهان است و حکم به واجب بودن انجام دستورهای شرعی در 13 سالگی، که مخالف اجماع پیشینیان است، اشاره کرده اند.

سن ازدواج در قانون چند سالی است که قانون سن ازدواج دختران از 9 سالگی به بعد، در مقاله ها و سخنرانیها مورد انتقاد قرار می گیرد. گاه در این مطلب که دختر در نه سالگی مکلف می شود خدشه وارد می شود و گاهی به مساله سن قانونی ازدواج دختران در نه سالگی. در این میان، نمی توان فشارهای بین المللی بر قانونهای داخلی پاره ای کشورها، از جمله ایران را نادیده گرفت. تلاش گسترده ای برای همسان کردن قانونهای داخلی کشورها، با مصوبات سازمان ملل، که بیش تر توسط کشورهای غربی تدوین گردیده و سپس تصویب گردیده، وجود دارد. اینان اصرار بر تغییر قانون سن ازدواج سازوار با قانونهای سازمان ملل متحد دارند. در مصوبات سازمان ملل، تاکید بر ممنوع بودن ازدواج کودکان است و کودک نیز به هر فردی که کم تر از هجده

سال دارد، اطلاق می شود.

در کنفرانس جهانی زن در پکن، در سال 1374؛ یکی از دستورالعملهایی که در «سند عمل» برای همه مردم جهان صادر شد عبارت بود از :

تاکید بر تدوین قانونها و آیینهایی که به طور دقیق، دست کم سن ازدواج و هماهنگی برای ازدواج را تعیین کند. (126)

در سند کنفرانس بیان شده است : به حکم ماده 297 هر چه زودتر و تا پایان سال 1995 دولتها باید با رایزنی با سازمانهای مربوط و سازمانهای غیر دولتی اجرای هدفهای سند کنفرانس را شروع کنند. در بند 305 آمده است : سند باید با اقدام کلیه سازمانها و ارگانهای نظم سازمان ملل در دوره بین 1995 و 2000 اجرا شود.

در پایان کنفرانس، دبیر کل سازمان ملل در پیام پایانی خود گفت : سازمان ملل مسئول اجرای مصوبات پکن و سند نهایی آن است و باید اجرا شود.

یکی از اموری که سند کنفرانس پکن تأکید فراوان بر آن دارد؛ پیوستن بی قید و شرط دولتها به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان است که دولتها وقتی آن را به تصویب رساندند، برایشان حکم قانون دارد و باید آن را اجرا کنند. در بخش چهارم ماده پانزدهم کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان آمده است :

«نامزدی و ازدواج کودک هیچ اثر قانونی ندارد و کلیه اقدامات ضروری، از جمله وضع قانون برای تعیین حداقل سن ازدواج و اجباری کردن ثبت ازدواج در دفاتر رسمی می بایست، به عمل آید.»

مقصود از کودک در قوانین بین المللی افراد زیر 18 سال است. کنوانسیون حقوق کودک که در سال 1989 میلادی در 54 ماده تدوین شد و در سال 1990 به مرحله اجرا در آمد و ایران نیز در سال 1373 شمسی آن را پذیرفته و مجلس شورای اسلامی آن را به صورت مشروط تصویب کرده، یکی از این مجموعه قوانین چنین است. در ماده یک این کنوانسیون آمده :

ماده 1. تعریف کودک : کسی که کم تر از هجده سال داشته باشد.

هر کشور که پیمان حقوق کودک را بپذیرد باید به اجرای آن گردن نهند و پس از دو سال از پذیرش آن، باید گزارشی از وضعیت کودکان آن کشور و چگونگی اجرای پیمان حقوق کودک را به کمیته بین المللی پیمان حقوق کودک ارائه دهد. از جمله خلاصه عملکرد کشورها از سال 1990 تا پایان سال 1996 که به سازمان ملل ارائه شده است، تدوین قانونهای جدید یا اصلاح قانونهای قبلی در پیوند با پیمان حقوق کودک، در سی و پنج کشور است که در زمره این قوانین قانون، سن بلوغ است.

در چند سال اخیر در ایران، سمینارهای گوناگونی که برگزار شده است، به مواد قانون مدنی در ارتباط با سن ازدواج خرده گیریهایی شده و در این سمینارها، خواستار بالا رفتن سن ازدواج دختران تا 15 یا 18 سالگی شده اند، به نمونه هایی از این سمینارها اشاره می شود :

1. در تیر ماه 1375 کارگاه مشورتی بررسی سلامت دختران نوجوان و جوان به همت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برگزار شد.

در این کارگاه، یکی از گزاره هایی که با عنوان مشکلات دختران نوجوان مطرح شد، عبارت است از قانونی بودن ازدواج دختران در سن بلوغ (9 سال تمام قمری 8 سال و 8 ماه و 27 روز شمسی) و عنوان دیگر : ازدواج در سنهای پایین و پیش از رسیدن به بلوغ اجتماعی.

در نهایت، در این سمینار، در بخشی از استراتژیها جلب حمایت مراجع سیاستگذاری و قانونگذاری مطرح گردید، تا در زمینه بازنگری قانون مدنی، تعیین سن مناسب ازدواج و باروری، قضاوت کارشناسی در مورد مباحث سن تکلیف و ازدواج، بر داشتن بازدارنده های موجود در بهداشت باروری نوجوانان (مواد قانونی 1041 و 1169) تلاش ورزند.

2. سمینار «حقوق کودک» در آبان 1376 توسط انجمن ملی حمایت از حقوق کودکان در ایران با همکاری یونیسیف برگزار شد، در پایان این سمینار موادی تصویب شد و خواهان اجرای آن شدند. نخستین ماده آن عبارت است از :

افزایش سن بلوغ بر مبنای ماده اول کنوانسیون حقوق کودک خالی از لطف نیست که به چند ماده دیگر از مصوبات این سمینار اشاره شود :

9. تدریس حقوق کودک بر مبنای اصول مندرج در کنوانسیون حقوق کودک در دانشکده های حقوق و دوره های کارآموزی قضاوت و وکالت.

10. آموزش حقوق کودک بر مبنای اصول پذیرفته شده در کنوانسیون حقوق کودک به عموم مردم، بویژه اولیا و مربیان، معلمان و کودکان.

11. اشاعه کنوانسیون حقوق کودک از طریق رسانه های گروهی.

3. انجمن همبستگی زنان طی سه دوره سمینار، زیر عنوان : مروری بر حقوق زنان در قانون مدنی ایران در اواخر سال 76 و ابتدای سال 77 برخی مواد قانون مدنی را مورد انتقاد قرار داد و سپس با انتشار بیانیه ای خواستار تغییر برخی از قانونهای مربوط به زنان در قانون مدنی شد. در این بیانیه با اشاره به پاره ای از مواد مانند ماده 1041 و 1210 قانون مدنی که مربوط به سن ازدواج دختران است، به روشنی بیان شده است : هرکس دارای 18 سال تمام نباشد در حکم غیررشد است. (127)

انجمن همبستگی زنان پیشنهادهای اصلاحی خود را در قانون مدنی در اردیبهشت 1376 به دفتر ریاست جمهوری، جهت بررسی در هیات دولت ارائه داد. افزون بر این موارد، در سمینارهای دیگری نیز سن ازدواج در قانون مدنی مورد انتقاد قرار گرفته و خواستار تغییر در این ماده قانونی شده اند، مانند : کارگاه آموزشی، مشورتی سلامت بلوغ دختران در دی ماه 1375 و...

در مجله ها و روزنامه ها نیز، بارهای بار، به این ماده قانونی اشکال وارد شده و خواستار تغییر این ماده قانونی شده اند.

البته نکته بسیار جالب توجه اینکه در پیشنهاد برای تغییر این قانون، به آیات و روایات اشاره می گردد و نیز فتوای فقهی آیه الله صانعی، سن 13 سال، بسیار مطرح می گردد. ولی نتیجه نهایی از این مباحث پیشنهاد تغییر قانون از 9 به 15 یا 18 سالگی است، که هیچ آیه و روایتی به آن اشاره ندارد.

در مجامع بین المللی، ایرانیان شرکت کننده، درباره سن ازدواج، مورد انتقاد قرار می گیرند. یکی از خواهران مسؤول ایرانی که در اجلاس کمیسیون مقام زن در سال 77، شرکت می کند و در پاسخ خبرنگار زن روز که می پرسد :

آیا درباره سن بلوغ هم در اجلاس صحبت شد؟

می گوید :

«آنها سن بلوغ نمی گویند؛ زیرا تکلیف و عبادت برای ما مهم است. آنها به سن ازدواج اشاره می کنند که قطعنامه

ای هم بود و بنده مجبور شدم توضیح دهم که ما انواع بلوغ داریم : بلوغ سیاسی، بلوغ عبادت، بلوغ ازدواج، بلوغ اجتماعی و تفاوت هر یک را بیان کردم. در عین حال آنها بر سن 18 سال تصریح کردند. در آن جا گفته شد : هر کس زیر 18 سال سن دارد کودک نامیده می شود. این موضوع هم با تلاش کارشناسان به این شکل تغییر کرد که با استناد به سند پکن که سن روشنی قید نکرده عمل شود. اما درباره بلوغ و سن ازدواج، با استناد به سخنرانی اخیر مقام معظم رهبری که فرمودند : تاکید می کنم بر مسئله ازدواج، در برخی شهرها که دختران را در سن پایین و خلاف میلشان وادار به ازدواج می کنند و دستور فرموده بودند که قوانین مانع این کارها بشود، سخن گفتم که بسیار مورد توجه قرار گرفت. آنها می دیدند که جمهوری اسلامی ایران، با ازدواج تحمیلی در سن پایین و ازدواج زودرس مخالف است و در آن جا آماری ارائه کردیم که این حداقل سن در قانون مدنی است در حالی که میانگین سن ازدواج برای زنان 22 و برای مردان 24 سال است.» (128)

در این اواخر، پس از سخنرانی مقام معظم رهبری در استان هرمزگان و نصیحت و ارشاد مردم آن استان که : دختران خود را در سن پایین، به زور شوهر ندهند، (129) بسیاری، سخنان ایشان را حمل بر مخالفت با ازدواج در سن پایین و در نتیجه اعتراض به قانون جایز بودن ازدواج از 9 سالگی کردند.

از این روی، شورای فرهنگی اجتماعی زنان وابسته به شورای عالی انقلاب فرهنگی از دفتر ایشان درخواست توضیح بیش تر کرد و ایشان فرمود :

«نظر این جانب به اجبار بر ازدواج است که قاعدتا در مورد سنین پایین محتمل تر است و گرنه اگر اجباری درکار نباشد، ازدواج در سن تکلیف شرعی مانع ندارد.»

بلوغ دختران (130) به هنگام تولد، کلیه اعضای جنسی و مراکز فعالیت این اعضا وجود دارند. هیپوتالاموس، هیپوفیز، تخمدان، رحم، لوله ها و فرج همه سالم و بالقوه آمادگی هیجان، انگیزش و تلاش دارند، ولی تا سالها در خواب و آرامش هستند، تا این که مرکزهایی در مغز، تکامل یافته و فرمانهای لازم را به هیپوتالاموس صادر کند. با صدور این فرمان، هیپوتالاموس سبب جنب و جوش غده هیپوفیز، و ترشح هورمونهای LH و می گردد و این هورمون، به نوبه خود سبب جنب و جوش تخمدان، رشد و تکامل تخم و بستر رحم و قاعدگی ماهانه می گردد.

اندازه تخمدانها تا پنج سالگی ثابت است، تا این که رشد تخمدانها برابر افزایش سن آغاز می شود. بین سالهای 6 تا 8 سالگی، حجم کلی رحم افزایش چشمگیری پیدا می کند. با ترشح هورمونهای استروئیدی جنسی، رشد پستانها، دستگاه ژنیتال، موهای جنسی و ساختمان جسمانی، انگیخته می شود.

سن بروز دگرگونیهای بدنی دوره بلوغ، بسیار است، نخستین دگرگونی بدنی در دختران، شروع رشد پستانها (تلاک) و یا آغاز رشد موهای زهار (پوبارک) است. سن شروع تلاک و پوبارک دگرگون شونده است. 1+ - 3/2 سال به درازا می کشد تا از شروع رشد پستانها، (منارک) (نخستین حیض یا عادت ماهیانه) ظاهر شود. منارک در پی یک سیکل بدون تخمک گذاری رخ می دهد. اما چنانچه نخستین سیکل تخمک گذاری انجام شود، امکان حامله شدن فرد بدون بروز نخستین قاعدگی وجود خواهد داشت. به طور معمول، مراحل بلوغ در دخترها حدود 5/4 سال به طول می انجامد و مدتها پس از نخستین قاعدگی تخمک گذاری آغاز می گردد. از این روی، خونریزی آغازین دختران، به طور معمول به سامان نیست و بیش از 80% قاعدگیهای سال اول بدون تخمک گذاری هستند، ولی ظرف 18 ماه پس از منارک (نخستین قاعدگی) بیش تر سیکلهای قاعدگی با تخمک گذاری همراه می

شوند. هر چند ممکن است تخمک گذاری در 25% تا 50% نوجوانان تا چهار سال پس از نخستین قاعدگی اتفاق بیفتد. عوامل بسیاری بر شتاب یا پس افتادن بلوغ تاثیر می گذارند. این عوامل عبارتند از : نوع تغذیه، وراثت، دوری یا نزدیکی به خط استوا.

در ضمن هیجانها و جنب وجوشهای شدید بدنی، کاهش محتوای چربی بدن، بیماریهای مزمن و سوءتغذیه و نیز ساکن بودن در مناطق بالا، بلوغ را واپس می اندازد. عوامل اجتماعی و فرهنگی نیز در شتاب بلوغ کارگر خواهد بود.

درجهان، بلوغ در بین دختران معمولاً بین سالهای 9 تا 16 سالگی اتفاق می افتد و اگر قاعدگی پیش از نه سال پدید آید یا پس از شانزده سال هنوز واقع نشده باشد، غیرطبیعی خواهد بود.

در قرن گذشته در آمریکا و تمام کشورهای صنعتی، میانگین سن آشکار شدن بلوغ و سن نخستین قاعدگی (منارک) پیوسته در حال کاهش بوده است. علت این امر را در بهبود وضعیت تغذیه و بالا رفتن سطح بهداشت عمومی و نیز دگرگونی شیوه زندگی مردم دانسته اند. به عنوان نمونه بین سالهای 1850 تا 1960 در اروپای غربی، در برابر هر ده سال، 4 ماه سن بلوغ دختران کاهش یافته است.

بلوغ، به طور معمول از شتاب رشد بدن شروع می شود و حدود یک سال پیش از قاعدگی به حداکثر می رسد. پیدایش نخستین قاعدگی آخرین مرحله بلوغ است که سرعت رشد قد، پس از آن کندتر شده و تا 18 سالگی بیش از 6 سانتی متر نخواهد بود. از این روی شایستگی رشد دختران در مراحل بعد از منارش (عادت ماهیانه) محدود می شود. رشد ناگهانی بدن به واقع بازتابی است از فرآیند فراگیرتری که دربرگیرنده افزایش توده عضلانی و رشد کم و بیش تمام اندامهای داخلی می شود. این سیرها هم به هورمون رشد و هم به استروئیدهای جنسی وابسته اند. نخستین دگرگونی در رحم، افزایش طول جسم آن است، سپس عرض و ضخامت جسم و گردن رحم هر دو افزایش می یابد. این سیر، بین 7 تا 9 سالگی آغاز می شود. به طور معمول، در 12 سالگی سطح مقطع رحم به 2×4 cm می رسد. با سونوگرافی می توان دید که بدون فاصله، پیش از بروز منارک (قاعدگی) به سرعت بر ضخامت آندومتر افزوده می شود. واژن (فرج) نیز مانند رحم، بافتی است که نسبت به استروژن واکنش نشان می دهد. طی دوره بلوغ، استروژن که به تازگی بر غلظت آن افزوده شده، رشد کلی واژن و رشد بافت پوششی آن را بر می انگیزد. لبهای کوچک و بزرگ هر دو با افزایش اندازه و ضخامت به استروژن پاسخ می دهند. در همین زمان ضخامت پرده بکارت و سوراخ آن نیز تا قطر حدود یک سانتی متر زیاد می شود.

جدول سن شروع قاعدگی در ملیتهای گوناگون (131) و سن شروع قاعدگی دختران دبیرستانهای تهران (132) در این بخش ذکر می گردد :

قاره آسیا

هنگ کنگ 1962 5/12 غنی 8/12 متوسط 3/13 فقیر

برمه و آسام 1957 2/13

سیلان 1950 8/12 کلمبو 4/14 روستا

هندوستان 1965 8/12 مدرس 2/14 روستا

قاره آفریقا

نیجریه 1/14 1960
کامپالا 4/13 1960
آفریقای جنوبی 0/15 1958

قاره اروپا

نروژ 4/13 1952
سوئد 9/13 1951
دانمارک 8/13 1950
هلند 7/13 1956
سوئیس 5/13 1956
انگلستان 1/13 1959
مجارستان 8/12 1959
بلغارستان 0/13 1965
شوروی 0/13 1965
ایتالیا 5/12 1960

قاره آمریکا

کوبا 5/12 1963
ایالات متحده 6/12 1955

دبیرستانهای تهران

سن قاعدگی فراوانی درصد
787/0 2 9-999/999
24/5 20 10-10/99
3/13 51 11-11/99
5/37 143 12-12/99
8/27 106 13-13/99
9/8 34 14-14/99
3/1 0 15-15/99
26/0 1 16-16/99
قاعده نشد 7/4 18

با شروع دوره بلوغ، ترشح غدد و هورمونها، افزون بر اثرظاهری در اندامها و بدن، اثرهایی بر روی احساس و انگیزه نوجوان می گذارد؛ از این روی روان پزشکان بر این باورند انگیزه جنسی را آندروژن خاص مانند تستسترون شعله ور می سازد که در دوره نوجوانی سطح آن بالاتر از تمام دوران زندگی است. در میانه های دوره نوجوانی، جریانهای

مربوط به سکس، تصویر زن، حاملگی، نقش‌های کلیشه‌ای مرد و زن، ذهن پسران و دختران نوجوان را به خود مشغول می‌سازد.

اواخر دوره نوجوانی نیز، دوره احساس‌ها و هیجانات قوی با جنس مخالف است.

افزون بر پیدایش احساس‌ها و هیجانات جنسی و گرایش شدید نسبت به جنس مخالف، در دوران نوجوانی، دگرگونی‌های روانی دیگری نیز در نوجوان ایجاد می‌گردد.

روان‌شناسان دگرگونی‌های دوران نوجوانی را چنین برشمرده‌اند:

تفکر در این دوره بیش‌تر انتزاعی، مفهومی، منطقی و آینده‌گراست. احساس‌ها جنسی (عشق) و گرایش جنسی در این دوران شکوفا می‌گردد.

دوره نوجوانی با دو مفهوم استقلال طلبی و کسب هویت همراه است و فرد می‌کوشد از شخصی وابسته به فردی مستقل تبدیل گردد. بسیاری از نوجوانها آفرینندگی در خور توجهی از خود نشان می‌دهند. یکی دیگر از ویژگی‌های دوران نوجوانی آشفتگی است.

با توجه به آنچه تجربه‌های بشری دریافته‌است، امکان پدید آمدن حیض (منارک) آخرین نشانه بلوغ در دختران از نه سالگی است و این امر اختصاص به مکان خاصی ندارد. هر چند میانگین زمان پدید آمدن این پدیده در دختران فرق می‌کند. در بسیاری از کشورها از جمله ایران، 13 سال و در برخی دیگر 12 یا 14 و گاه 15 سال است. با پیدایش بلوغ در دختران، میل جنسی در آنان پدید می‌آید و شدت می‌یابد و این دوران پرهیجان نوجوانی دختران، برای کشورهایی که سن ازدواج را از نظر قانونی بالا برده‌اند، بسیار مشکل‌آفرین شده‌است. در این شرایط، قانون‌های اجتماعی، کارآیی خود را از دست می‌دهند و دختران بر خلاف قانون موجود در کشور خویش (محدود بودن سن ازدواج) تن به پیوندهای خارج از حریم قانون می‌دهند. آمار موجود در کشورهای اروپایی و آمریکایی که نشان‌دهنده پیوند جنسی دختران و پسران در زیر سن ازدواج است این مطلب را تایید می‌کنند. به نمونه‌هایی از این آمار که محققان آمریکایی ارائه کرده‌اند، اشاره می‌شود:

در آمریکا در سال 1984، 9965 زایمان مربوط به دختران زیر 15 سال بود (پایین‌تر از سن قانونی ازدواج) و این غیر از سقط جنین‌هایی است که توسط دختران زیر 15 سال واقع می‌گردد. هر ساله در آمریکا حدود 400/000 سقط جنین در زنان کم‌تر از 20 سال صورت می‌گیرد که بیش‌تر در نوجوانان مجرد است (133). ممنوع بودن ازدواج در بخشی از سال‌های پرهیجان جنسی در آمریکا سبب عادی شدن پیوندهای جنسی خارج از کانون خانواده در سال‌های دیگر نیز شده‌است؛ از این روی، پژوهشگران آمریکایی می‌گویند:

«تخمین زده می‌شود در آمریکا 70٪ زنان مجرد 19 ساله و 80 تا 90٪ مردان جوان مجرد مقاربت جنسی داشته‌اند.» (134)

«آمارها نشان می‌دهد ده سال قبل، سن میانگین برای نخستین رابطه جنسی در آمریکا 18 سال بود و تنها 55٪ دخترها تا آن سن رابطه جنسی را تجربه کرده بودند و اکنون میانگین سن برای نخستین رابطه جنسی در دختران آمریکایی 16 سالگی است [این بدین معناست که حدود نیمی از دختران آمریکایی پیش از سن قانونی ازدواج، نخستین رابطه جنسی را تجربه کرده‌اند] و در حال حاضر 80٪ پسرها و 70٪ دخترها تا 19 سالگی رابطه جنسی کامل را پشت سر گذاشته‌اند.» (135)

فراوانی روابط جنسی دختران و پسران در زیر سن قانونی ازدواج، کارشناسان آمریکایی را بر آن داشته‌است تا در برخی از قانون‌های خود استثنائاتی را قائل گردند، از جمله در قانون گرفتن رضایت نامه والدین برای درمان:

«در اکثر ایالت‌های آمریکا زیر سن 18 سال را صغر سن می‌نامند [فرد کم‌تر از 18 سال کودک به شمار می‌آید] و قاعدتا برای انجام جراحی‌ها، درمان بیماری‌های غیرآمیزشی در این رده سنی، اخذ رضایت نامه از والدین ضروری است.

در پنجاه ایالت آمریکا، پزشکان می‌توانند بیماری‌های آمیزشی افراد صغیر را بدون اخذ رضایت نامه از والدین درمان کنند.» (136)

در ماده 16 کنوانسیون حقوق کودک، (زیر 18 سال) چنین آمده است: «محافظت از خلوت کودکان: خودداری از دخالت در امور خصوصی و خانوادگی کودکان.»

به نظر می‌رسد به دلیل امکان پدید آمدن آخرین نشانه بلوغ و وجود نیاز جنسی در دختران از نه سالگی، بهتر است که امکان برآوردن نیاز جنسی در قالب ازدواج برای دختر از این سن فراهم آید و بدین وسیله جامعه گرفتار زیان‌های فراوان رابطه جنسی خارج از محدوده خانواد نگردد و با ثبت ازدواج قانونی دختر نیز حقی از او از بین نرود. درباره ازدواج در سال‌های پایین دشواری‌ها و گرفتاری‌هایی چند مطرح گردیده که به طرح و بررسی آن می‌پردازیم:

الف. ازدواج در سن پایین، سبب حاملگی می‌شود و این حاملگی، زیان‌هایی بر کودک و مادر وارد می‌آورد، از جمله:

کودک: احتمال افزایش مرده زایی، سقط جنین، کمبود رشد کودک داده می‌شود؛ زیرا بدن مادر هنوز در حال رشد است و جهت رشد خود نیاز به تغذیه مناسب دارد، در نتیجه جنین دچار کمبود مواد غذایی شده رشد کافی پیدا نمی‌کند و احتمال افزایش بیماری‌هایی چون عقب ماندگی ذهنی نیز در جنین زیاد است.

مادر: افزایش زایمان غیرطبیعی و سزارین، به دلیل کافی نبودن رشد لگن، که موجب ضرر به جسم مادر می‌شود. مادر در حال رشد است و به دلیل حاملگی و مصرف مواد غذایی بدن او توسط جنین، بدن وی دچار کمبود مواد غذایی می‌شود.

چند نکته:

1. حاملگی، پیش از تخمک‌گذاری هرگز به وقوع نمی‌پیوندد و دختر در هر سنی که ازدواج کند، از زمان تخمک‌گذاری، امکان حمل او وجود دارد. به طور معمول، دختران چند ماه پس از پدید آمدن حیض (6 ماه تا 18 ماه) دارای تخمک می‌گردند؛ از این روی، حتی اگر دختر نه ساله ازدواج کند، مدتی پس از پدید آمدن حیض امکان حاملگی او وجود دارد و با توجه به این که میانگین سن حیض در دختران ایرانی حدود 13 سالگی است، پس جوان‌ترین مادر، بیش از 14 سال خواهد داشت، البته به جز موارد کمیابی که در 10 و 11 سالگی تخمک‌گذاری دارند.

2. مدتها پیش از پدید آمدن حیض، اندام‌های جنسی دختر شروع به رشد می‌کند و در زمان بروز پدیده حیض، این اندام‌ها رشد خود را کرده‌اند، از این روی زمانی که امکان حاملگی و زایمان وجود دارد، به طور معمول، لگن مادر آمادگی جهت زایمان را دارد، مگر مواردی که لگن دختر رشد بیش‌تری نخواهد کرد.

آمار بالای زایمان‌های غیرطبیعی در سال‌های پایین توسط سازمان جهانی بهداشت روشن می‌سازد که سزارین‌های فراوان در مادران نوجوان، در حقیقت، مربوط به نبود بهداشت، کمبود امکانات درمانی و بیمارستانی و ناآگاهی مادران نوجوان نسبت به مسائل درمانی و بهداشتی است؛ از این روی، آمارها، همواره، نشان می‌دهد در کشورهای توسعه‌یافته، مانند: ژپن میزان زایمان غیرطبیعی در مادران نوجوان اندک بوده، ولی در کشورهای

فقیر، چون اتیوپی یا بنگلادش بسیار بالاست. این امر ارتباطی به سن مادر هنگام زایمان ندارد. با آموزش مناسب زنان باردار در هر سنی و گسترش امکانات بهداشت و درمان، میزان زایمان غیرطبیعی در هر سنی کاهش خواهد یافت.

مرده زایی و سقط جنین نیز، ارتباطی با سن مادر ندارد، بلکه به شرایط زندگی و امکانات بهداشتی، درمانی و دانش مادر در هر سنی که باشد مربوط می شود. در کشورهای توسعه یافته، آمار مرده زایی یا تولد نوزادان ناقص یا نارس در بارداریهای در سن پایین، اندک است، ولی در کشورهای در حال توسعه آمار بالاست.

3. مراحل رشد کودک نشانگر این امر است که رشد ناگهانی بدن در دختران، دو سه سال قبل از حیض شروع می شود و بدن دختر تا زمان و پدید آمدن حیض، رشد خود را کرده است. پس از آن تا حدود زمان 18 سالگی، بین 2 تا حد اکثر 6 سانت قد رشد می کند و رشد بدن اندک است. از این روی بارداری (که پس از تخمک گذاری است) زیان مهمی به بدن مادر یا کودک وارد نخواهد ساخت. برابر تحقیقی که در سال قحطی در یک کشور آفریقایی از نوزادان متولد شده در آن سال انجام شد، روشن گردید که بدی تغذیه مادر بر روی جنین اثر چندانی نمی گذارد، بلکه اثر منفی آن متوجه مادر می گردد حال با توجه به این که مادر نوجوان رشد چندانی نخواهد کرد اگر در زمان بارداری تغذیه مناسب داشته باشد، نیاز مادر و جنین، هر دو، برآورده خواهد شد. پس در حقیقت عوارض منفی جسمانی در بارداری نوجوانان مربوط به فقر اقتصادی مادران نوجوان و یا ناآگاهی آنان نسبت به چگونگی تغذیه مناسب در زمان بارداری می شود، بویژه ازدواج در سالیهای پایین، در جامعه های عقب مانده اقتصادی واقع شده است و آمارها نیز عوارض سوء را در همین جامعه ها نشان می دهد.

به عنوان نمونه :

در کشورهای در حال توسعه مرگ و میر مادران جوان 450 در 100000 تولد است، حال آن که در کشورهای توسعه یافته 30 در هر 100000 تولد است

The health of young people who/1993

در هر 1000 تولد در نیجریه 239 مرده زایی و در بنگلادش بیش از 200 نوزاد مرده از مادران 15 تا 19 ساله گزارش شده است، در صورتی که در ژاپن در هر 1000 تولد 4 مرده زایی بوده است. The health of young people

از نظر علمی نیز، محققان بر این عقیده اند : در صورت وجود مراقبت های مناسب زمان بارداری، تغذیه خوب و حمایت اجتماعی، نبود بیماریهای مقاربتی، نوجوان حامله باید شیرخوار سالمی را سر موعد وضع حمل کند. (گزیده اساسی طب کودکان نلسون)

کم خونی رایج در زنان حامله نوجوان، ارتباط چندانی با سن آنان ندارد، بلکه در بسیاری از زنان وجود دارد و این امر در حقیقت بستگی به تغذیه نامناسب دوران حاملگی دارد.

4. امکان بیماریهایی چون منگولیسم در کودک، در بارداری در سالیهای بالا زیاد است و در بارداری در سالیهای نوجوانی احتمال این بیماریها زیادتر نمی شود. در این سالها، به طور معمول تخمکها سالم و شاداب هستند و احتمال بیماری به میزانی است که دختر جوانی حامله گردد. در اساس، خطرهای بارداری در سن 35 سال به بالا، بسیار بیش تر از خطرهای آن در سن نوجوانی است.

ب. ازدواج در سن پایین، همراه با آمیزش است و با توجه به این که در دختر نه ساله، هنوز اندامهای جنسی رشد

کامل نیافته، این کار بر دختر زیان وارد می‌کند.

با توجه به این مساله که پیش از بروز منارک (اولین قاعدگی) اندامهای جنسی دختر رشد می‌یابد، بی‌گمان دخترانی که در آن منارک به وقوع پیوسته در آمیزش جنسی با همسر خود دچار مشکلی نخواهند شد، مگر آن که نقص جسمانی، یا بیماری داشته باشند و این مطلب ارتباطی با سن آنان ندارد همان گونه که دختران 30 ساله نیز، گاه به دلیل نقص جسمانی مادرزادی یا در اثر سانحه دچار مشکلی هستند که در زناشویی دچار مشکل می‌گردند. حال با توجه به این که امکان وقوع قاعدگی از 9 سالگی وجود دارد، پس دخترانی وجود دارند که در صورتی که در این سن ازدواج کنند ضرری متوجه آنان نخواهد شد.

یادآوری: باید توجه داشت: کسی حق ندارد دختر نه ساله را وادار به ازدواج کند و راضی بودن دختر شرط نفوذ عقد است (ماده 1070 قانون مدنی) پس در تمامی موارد، سخن از دختر نه ساله ای است که خود، خواهان ازدواج باشد. افزون بر آن، یکی از شرطهای درستی ازدواج دختر باکره راضی بودن پدر به آن ازدواج است؛ یعنی مردی با تجربه که سنی از او گذشته و علاقه مند به سرنوشت دختر خود است، درباره این ازدواج تصمیم می‌گیرد. حال اگر دختر مایل به ازدواج با پسری بود و پدر دختر نیز این ازدواج را برابر مصلحت دختر یافت و با آن موافق بود و دختر نیز در این ازدواج، زبانی نمی‌دید، آیا باید منع قانونی برای این ازدواج قرارداد؟ درواقع، مهم ترین مساله در موفق نبودن برخی ازدواجهای زود هنگام، وادار کردن دختر به ازدواج است که این تحمیل ازدواج، مخالف شرع مقدس اسلام و مخالف قانون مدنی ایران است.

پیشنهاد:

حال اگر دختری نه ساله برخلاف رضای خود و پدرش، هنوز از نظر اندامهای جنسی، رشد لازم را نکرده باشد و احتمال زیان در آمیزش با او وجود داشته باشد، می‌توان بنابر تقاضای هر یک از نزدیکان، یا مدعی العموم، یا مدیر و معلم مدرسه، یا محضر دارد و... پیشنهاد معاینه پزشکی دختر را داد احتمال ضرر می‌تواند مجوز این معاینه باشد و در صورتی که پزشک جسم دختر را آماده ازدواج نیافت، به حکم دادگاه ازدواج صورت نگیرد و هیچ دفترخانه ای ثبت نکند و اگر بدون مراجعه به محضر، عقد انجام شد و برخلاف نظر پزشک آمیزش انجام شد و دختر آسیب دید، مرد باید به پرداخت جریمه واداشته شود. بسیاری از ازدواج در سن پایین را با توجه به دگرگونیهای روانی در سن نوجوانی، سبب ضرر بر عروس نوجوان می‌دانند.

به نظر می‌رسد با توجه به دگرگونیهای خاص دوران نوجوانی، این ایراد چندان منطقی نباشد. از نظر روانی نوجوان دارای احساسات جنسی و میل جنسی شدید می‌گردد از طرفی گروه همسالان برای او نقش مهمی دارد. او می‌کوشد تا هویت مستقل برای خویش کسب کند و نیز دارای آشنفگی و هیجانهای روحی است. ازدواج برای چنین فردی می‌تواند بسیار مفید نیز باشد. نیاز جنسی او را بر می‌آورد، هویت مستقل به عنوان خانم خانه برای او فراهم می‌کند و آشنفگی روحی او را تسکین می‌دهد. بیشترین فایده ای که بر ازدواج بار است، آرامش زن و شوهر است. خداوند در قرآن نیز با عنوان «لتسکنوا الیها» به آن اشاره فرموده است. در پژوهشهای به عمل آمده در ایران روشن شده است که: سن ازدواج، اختلاف سنی با شوهر و سن شوهر، اثر چندانی در نبود تفاهم بین زن و شوهر ندارد و آزار و اذیت زنان در کانون خانواده، بیش تر تحت تاثیر عوامل فرهنگی قرار دارد. (137)

البته روشن است : دختران در دوران ما، نه در خانواده و نه در مدرسه آموزش خانه داری، همسر داری، پرورش کودک و... نمی بینند و آمادگی تشکیل خانواده را ندارند و بدون این آمادگی نیز، تشکیل خانواده، دشواریهایی را در پی خواهد داشت.

در گذشته که دختران را از سنهای پایین آموزش می دادند : چگونه از کودک نگهداری کنند، خانه داری کنند و... در موارد بسیاری با وجود ازدواج در سن پایین، دختر ازدواج موفق داشت و برخی دختران کنونی که در سن بالا نیز ازدواج می کنند، و هیچ گونه آموزشی برای ورود به کانون خانواده نمی بینند، مشکل زیاد دارند. متأسفانه، به دلیل بی توجهی به اهمیت خانواده و حساسیت آن هنوز در دروس مقطع متوسطه یا دروس دانشگاهی، جای خالی درسی که به طو جدی به موضوع خانواده بپردازد، خالی است. درسی که دختران و پسران را با حقوق زن و شوهر، وظیفه هر یک نسبت به یکدیگر وظیفه پدر و مادر نسبت به کودک چگونگی نگهداری و تربیت کودک و... آشنا سازد.

متأسفانه برخلاف اهتمام شدید اسلام به خانواده و مسائل آن پس از شت بیست سال از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز واحد درسی با نام خانواده، وظایف و حقوق خانوادگی در دانشگاههای کشور نداریم.

براساس تصمیمی که از سوی شورای عالی برنامه ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی گرفته شده است گذراندن واحد درسی تنظیم خانواده و جمعیت برای تمامی دانشجویانی که از ابتدای سال تحصیلی 77-78 وارد دانشگاه می شوند، الزامی است. این درس برای رشته های گوناگون پزشکی و دامپزشکی به صورت دو واحدی و برای سایر رشته ها یک واحدی است و جزء دروس عمومی تمامی رشته های تحصیلی مقطع کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد پیوسته است. (138)

در صورتی که مشکلات اقتصادی و اجتماعی، ما را بر آن داشته که چنین درسی را در دانشگاه الزامی کنیم، آیا ناآگاهی دختر و پسر ما نسبت به وظایف و حقوق خود و همسر و فرزند، گرفتاریهای فرهنگی و اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی کم تری ایجاد کرده است؟

بی گمان، آموزش دختران حتی در اوان نوجوانی، می تواند توانایی همسر داری مناسب و نگهداری و تربیت کودک را در او پدید آورد.

نکته مهم تر : با آموزش مهم و حساس بودن مساله ازدواج، می توان در عمل، به دختران فهماند که تا به دست آوردن توانایی لازم جهت تشکیل خانواده، احساسها و هیجانهایی خویش را کنترل کنند، همان گونه که وقتی دختر یا پسری دریافت : برای انجام معاملات بانکی یا رانندگی یا... باید بعضی مسائل را آموزش دید و دانست و در غیر این صورت، امکان ضرر مالی یا جانی وجود دارد، از دادرستهای بانکی، یا رانندگی بدون گواهینامه، تا حد زیادی می پرهیزد.

توجه :

یادآوری : کسی اصرار بر ازدواج دختر در سن پایین یا در سن نوجوانی ندارد، بلکه سخن در این است : امکان ازدواج دختر نوجوانی که خود خواهان آن است و پدر هم راضی و زبانی هم به دختر وارد نمی آید، وجود داشته باشد.

نتیجه 1. در روایات زمان واجب شدن انجام دستورهای شرعی و نیز زمان روایی آمیزش، چند امر مطرح شده : 9 ،

10 و 13 سال و زمان پدید آمدن حیض

2. به نظر می رسد : طرح انجام باید و نبایدهای اجتماعی، از زمان پدید آمدن حیض، در قانون مناسب نباشد؛ زیرا :

بین افراد تفاوت قابل توجه در این مسئله وجود دارد؛

در موارد اندکی اصلاً حیض بوقوع نمی پیوندد؛

اثبات وقوع حیض در مواردی دشوار است؛

در صورتی که میانگین سن حیض در ایران (13 سال) به عنوان سن بلوغ در نظر گرفته شود، این مشکل پیش می آید که هر چند سل یک بار به دلیل تغییر شرایط، این سن تغییر می کند و در نتیجه قانون باید تغییر کند.

3. براساس متون دینی می توان با اجتهاد در ادله، قائل به 9 یا 10 یا 13 سال شد که در نتیجه حکم به 15 یا 18 سال با نصوص فراوان دینی، ناسازگاری دارد.

4. اکنون مشکل جامعه ما، بالا رفتن سن ازدواج دختران و پسران است. حدود شش میلیون پسر و دختر در سن ازدواج هستند که هنوز ازدواج نکرده اند. براساس آخرین سرشماری عمومی کشور، میانگین سن در نخستین ازدواج دختران در کل کشور 22/5 سال در شهرها و 21/2 سال در روستاها بوده است (میانگین سن در اولین ازدواج مردان نیز در شهرها 26/2 سال و در روستاها 24/5 سال است) براساس این امار، فقط 0/2 درصد ازدواجها در ایران در سن زیر 16 سال انجام می شود. (139) بنابراین جای تامل دارد که طرح بالا بردن سن ازدواج در قانون، آیا در واقع برای از میان برداشتن مشکلی از مشکلات جامعه است، یا فقط برای ساکت کردن مخالفان؟ از یاد نبریم این کلام الهی را که :

«ولن ترضی عنک الیهود ولا النصارى حتی تتبع ملتهم.»

بقره/120

ای رسول، هرگز یهود و نصاری از تو راضی نمی شوند، تا این که پیرو آنان شوی.

مخالفان جمهوری اسلامی ایران، تنها زمانی سکوت اختیار می کنند تا ما از بندبند قانونهای تصویب شده پس از انقلاب اسلامی، دست برداریم و هماهنگ با جریان توسعه بین المللی که طراحان آن ابرقدرتها هستند، حرکت کنیم.

5. طرح بالا بردن ازدواج در شرایطی بیان می شود که روابط ناسالم بین دختران و پسران در سن نوجوانی زیاد شده و دوستیهای نامشروع دختران در سن مدارس راهنمایی رشد زیادی یافته است. بررسی اجمالی مساله در بین دختران مدارس راهنمایی، این امر را آشکار می سازد. در این اواخر، شمار دختران مراجعه کننده به پزشکی قانونی برای این که ثابت کنند، توسط دوست پسر خویش مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند، در خور درنگ است. دختران نوجوانی که به ماما یا پزشک زنان مراجعه می کنند تا پرده بکارت آنان، که توسط دوست پسر خود برداشته شده ترمیم گردد، یا بتوانند از قرص ضد بارداری، با این که مجرد هستند، استفاده کنند، یا معاینه شوند : آیا هنوز باکره اند، یا خیر، نگران کننده است.

اطلاعات صدای مشاور سازمان بهزیستی از شهر تهران بخش گسترده ای از پرسشها را درباره روابط نامشروع

بارداریهایی نامشروع، چگونگی سقطجنین بیان می کند. حال آیا بالا رفتن سن ازدواج، این زمینه مناسب را که

دختران هوسباز نوجوان بتوانند از راه ازدواج رابطه مشروع داشته باشند، از بین نمی برد؟

این مساله نیز قابل توجه است که بارواج کتابها، عکسها، فیلمها و نوارهای موسیقی مبتذل که همگی گرایشهای

جنسي نوجوانان را بر انگيزاند، در عمل، سن بلوغ در دخترن و پسران پايين تر آمده است.

6. قانون مدني، ازدواج دختر نه ساله را جايز مي داند، نه اين که دختران نه ساله را تشويق به ازدواج در نه سالگي کند.

7. در ازدواج دختر، موافقت دختر با ازدواج لازم و ضروري است.

8. در ازدواج دختر باکره، بايد پدر راضي باشد.

9. بالا رفتن سن ازدواج در قانون، سبب مي شود ازدواجهاي غيررسمي زياد شود؛ زيرا مردم به دليل مسائل اعتقادي و فرهنگي خود در سالهاي پايين ازدواج مي کنند. حال اگر اين ازدواج را نشود به طور رسمي ثبت کرد، سبب مي شود زنان نتوانند در پرداخت مهریه، نفقه، ارث و امور مربوط به فرزند خود ادعاي خويش را درباره ازدواج خود، ثابت کنند.

10. برخي گويند : رشد شرط در دادوستدها، قصاص و ازدواج است و همان گونه که در انجام دادوستدها افزون بر بلوغ، فرد بايد داراي رشد در معامله نيز باشد، در ازدواج نيز بايد دختر و پسر، افزون بر بلوغ، داراي رشد نيز باشند، تا بتوانند ازدواج کنند. در حقيقت، دختر و پسر بايد شايستگي اداره خانواده را داشته باشند، تا بتوانند ازدواج کنند.

پاسخ الف. در دادوستدها، به دليل آيه قرآن و روايات، مي بايست اثبات رشد گردد، ولي در ازدواج، دليلي بر اثبات رشد وجود ندارد.

ب. مراد از رشد در امر ازدواج، روشن نيست. هم اکنون مردان چهل ساله اي يافت مي شوند خودخواه و مسؤوليت ناشناس که سرمايه عظيم خانواده خويش را از بين مي برند و به همسر و فرزندان خويش اجحاف روا مي دارند، آيا مي توان حکم کرد : آنان اجازه ازدواج ندارند؟

ج. بي گمان، سفيه يا فردي که داراي عقب ماندگي ذهني است، ولي نياز جنسي دارد. مي تواند ازدواج کند و در صورتي که ميل به ازدواج داشته باشد، کسي نمي تواند او را از اين کار بازدارد.

د. به نظر مي رسد : اسلام به امر ازدواج، به عنوان وسيله اي براي برآوردن نياز جنسي زن و مرد مي نگرد و سفارش بسيار به سرعت بخشيدن به امر ازدواج مي کند و بر آسان گيري ازدواج و به کنارنهادن قيد و بندهاي اقتصادي و اجتماعي تاکيد مي ورزد. البته همچون تمامي مسؤوليتهاي ديگري که بر دوش افراد مي نهد، افراد را به حقوق خانواده آشنا مي سازد. چاره فردي را که تحت فشار غريزه جنسي، کنترل برخي رفتارهاي خود را از دست داده و در مرز فرو افتادن در باتلاق روابط نامشروع قرار گرفته در منع قانوني ازدواج تا زمان به دست آوردن رشد فکري، لازم نمي بيند، بلکه سفارش مي کنند : خانواده و جامعه بکوشند، همزمان با بلوغ جنسي دختران و پسران، آنان را با مسائل خانواده و با وظيفه اي که در برابر خانواده دارند، آشنا سازند همان گونه که در عبادات نيز به دختر 15 ساله نازپرورده که شب و روز خود را به سرگرمي و غفلت به سر مي برد و مفهوم مناجات عبد با خدا را در نمي يابد، نمي گويد : هر وقت درک عبادت کردی، عبادت بر تو واجب مي شود، بلکه به او امر مي کند به انجام عبادت بپردازد و در ضمن، با روشنگري توسط آيات و روايات، او را با مفهوم عبادت و ارزش آن آشنا مي سازد. خداوند بر پدر و مادر، لازم مي شمارد که فرزند خويش را با معارف اسلامي آشنا سازند. بر جامعه با عنوان امر به معروف، لازم مي شمارد که مکلفان را با عبادت آشنا سازند و بر فرد مکلف نيز آموختن مسائل و احکام مورد نياز را واجب مي سازد.

تجربه ای که غرب آموخت برای ما اندک نیست. بالا بردن سن ازدواج برای آن که دختر و پسر آمادگی جسمانی و فکری لازم جهت ازدواج را داشته باشند. دختران و پسران آزمند بر مسائل جنسی را وادار به ایجاد ارتباط جنسی خارج از کانون خانواده کرد و روشن است که این روابط چه آسیبه‌ها و زیانهای جبران ناپذیری بر دختر، پسر و قربانیان این روابط، کودکان نامشروع و ناخواسته، خواهد زد. جالب این است که در بیش تر کشورهایی که سن قانونی ازدواج 16 یا 18 سال است، استفاده از لوازم پیشگیری از حاملگی برای دختران دوازده یا سیزده ساله، از نظر قانون آسان است.

آیا بهتر نیست از زمانی که امکان دارد فرد دارای گرایشهای جنسی گردد، امکان ازدواج نیز فراهم آید، ولی با برنامه ریزی فرهنگی به دختر و پسر فهمانده شود که با نیاز خویش، عاقلانه برخورد کنند. او را با بزرگی مسئولیت تشکیل خانواده آشنا سازیم تا خود، گرایشهای خویش را کنترل کند و توانایی ورود در کانون خانواده را نیز در خویش به وجود آورد و از طرفی اگر توانا به کنترل غرایز خویش نبود، بتواند از راه مشروع و قانونی، نیاز خود را در قالب ازدواج برطرف سازد؟

بی گمان، با ازدواج، زوایای دیگر این پیوند نیز رشد خواهد یافت و دختر و پسر دارای رشد فکری و اجتماعی نیز خواهند شد.

یادآوری : در بحث ولایت پدر یا جد پدری در ازدواج دختر شماری از فقها، پایان مهلت این ولایت را بلوغ و رشد دختر مطرح کرده و بیان داشته اند : از زمانی که دختر بالغ و نیز دارای رشد فکری شد، می تواند برای ازدواج خویش تصمیم بگیرد. بدین گونه، این شبهه پیش نمی آید : دختر نه ساله اگر پدر نداشته باشد، امکان دارد فریب بخورد و تن به ازدواجی نادرست بدهد؛ چرا که دختر فقط اگر رشد لازم را داشت، می تواند برای ازدواج خویش تصمیم بگیرد و درغیر آن، پدر یا جد پدری او، تنها به شرط آن که ازدواج برابر مصلحت دختر باشد، می تواند دختر را به عقد ازدواج پسری درآورد.

امام خمینی، در تحریر الوسیله می نویسد :

«از زمانی که دختر بالغه رشیده شد، احتیاط آن است که اذن پدر یا جد و نیز اذن دختر، هر دو در امر ازدواج دختر، در نظر گرفته شود.» (140)

صاحب جواهر نیز می نویسد :

«پدر و جد بر بکر رشیده در دائم و منقطع، ولایت ندارند.» (141)

همو می نویسد :

«عبارة المرأة معتبرة في العقد مع البلوغ والرشد (ای العقل) فیجوز لها ان تزوج نفسها.»

شماری از فقیهان دیگر نیز از جمله ابن ادریس در سرائر (142)، به این مساله اشاره کرده اند.

در صورتی که ازدواج به مصلحت دختر باشد، حال آن که دختر هنوز به رشد لازم جهت تصمیم گیری برای ازدواج خویش نرسیده و در ضمن پدر و پدربزرگ نداشته باشد، برابر نظر برخی فقها می توان با اجازه حاکم شرع، برابر مصلحت دختر، عقد کرد.

11. شماری، از زیانهای ازدواج زودرس را از دست دادن موقعیت تحصیلی و کسب مهارتهای شغلی و موقعیت اقتصادی دختران یاد کرده اند.

بی گمان این امور به دلیل باورهای غلط افراد است. سفارش مکرر در قرآن که مبنای زندگی مشترک باید معاشرت به معروف باشد (143) و سفارش و تاکید بسیار شرع مقدس اسلام بر علم آموزی روشن می سازد که در فرهنگ

اسلامی، ازدواج مانع ادامه تحصیل نخواهد بود. اگر ازدواج را از پیرایه هایی که خود بر آن بسته ایم رها سازیم، آشکار می گردد که ازدواج می تواند سبب آرامش خاطر شود. آرامشی که موجب می شود فرد تمرکز بهتری جهت فراگیری علم داشته باشد. مردی که سفارشهای مکرر خداوند را در امساک به معروف و معاشرت به معروف با همسر خویش نادیده نمی گیرد، رشد معنوی را حق زن می داند و نه تنها مانع تحصیل او نخواهد شد، بلکه مشوق او نیز در این رشد عقلی و ادراکی خواهد بود.

کسب مهارتهای شغلی نیز ارتباط چندانی با مجرد یا تاهل ندارد. برخی می پندارند که شغل تنها به کار خارج از خانه و به مفهوم غربی آن اطلاق می شود، غافل از آن که مبانی فکری مسلمانان، با آنچه توسط سازمانهای بین الملل ارائه می گردد، گاه فاصله بسیار دارد.

در تفکر اسلامی ما، خانه داری شغلی شریف است و زن علاوه بر پذیرش سؤولیت خانه داری، نگهداری و تربیت فرزند، می تواند شغل دیگری نیز برگزیند و البته زن مسلمان ما، همسر و فرزند را قربانی موقعیت شغلی خویش نمی کند.

موقعیت اقتصادی دختران نیز با ازدواج، نه تنها به خطر نمی افتد، بلکه تا حدی برآورده نیز می گردد. دختر با ازدواج، حق دریافت مهریه و نفقه دارد و به ازای زحماتی که در منزل می کشد، می تواند از همسر خود اجرت المثل دریافت کند و در صورتی که همسرش از دنیا برود از دارایی او ارث می برد و نیز می تواند از اوقات خویش بهره بیش تری برده، شغلی نیز برگزیند.

12. در صورت احتمال ضرر در ازدواج، می توان به تقاضای فردی یا مدعی العلوم، حکم به معاینه پزشکی دختر داد و در صورت اثبات ضرر، منع قانونی جهت ازدواج قرارداد.

13. از همه مهم تر آن که : اکنون نیز در ثبت ازدواج دختران کم تر از 13 سال منع قانونی وجود دارد، از این روی، هر چند در قانون مدنی کم ترین سن ازدواج 9 سال است، ولی در عمل، سن ازدواج را 13 سال قرار داده ایم.

14. از این امر مهم، نباید غفلت کرد که حذف هر ماده یا تبصره مصوب پس از انقلاب اسلامی، بسیاری را گستاخ خواهد کرد تا با فشار تبلیغاتی و فرهنگی روزافزون، ما را وادار به حذف سایر مصوبات پس از انقلاب کنند و قانونها را تا جایی که امکان دارد برابر با قانونهای بین المللی (وبیگانه با احکام دینی) قرار دهند.

پیشنهاد پایانی برای رفع دشواریهای اجرای قانونهای مربوط به سن ازدواج دختران بر مبنای فقه غنی شیعه پیشنهاد می شود :

الف. مراد از مصلحت در نکاح دختر زیر سن نه سال مشخص گردد، بویژه در جامعه های دگرگونی یافته امروز که عوامل بسیار در انتخاب همسر مناسب دخالت دارد.

ب. روشن شود که چه مرجع قانونی، مسؤول بررسی وجود مصلحت یا نبود آن در ازدواج دختر یا پسر صغیر است، تا در صورت نبود مصلحت، حکم به باطل بودن یا نفوذ نداشتن عقد بدهد.

ج. بیان شود : در صورت راضی نبودن دختر و پسر پس از بلوغ (یا پس از رشد) نسبت به این ازدواج، حکم به فسخ عقد ازدواج داده شود. این حکم برابر پاره ای از روایات (144) بوده و نیز به دلیل وجود ضرر در زندگی مشترک بدون میل و رغبت و حکم به پرداخت نفقه و مهریه توسط زوج با این که راضی به این زندگی با زن نیست، و حکم به تمکین و پذیرش سیطره شوهر توسط زن بر خلاف هرگونه میل و رغبتی به این ازدواج. در اساس، وجود این ضرر، دلالت می کند بر نبود مصلحت در درستی این نوع ازدواج.

د. زمان تصمیم گیری دختر برای ازدواج خود، از زمان بلوغ و رشد عقلي دختر جهت تصمیم گیری، طرح گردد و پیش از رشد، اذن پدر یا جد (یا در صورت نبود آنان، حاکم) به شرط رعایت مصلحت دختر، در ازدواج او مطرح گردد. در نتیجه، امکان ازدواج دختر پیش از رشد، به دلیل وجود مصلحت برای دختر، وجود داشته باشد.

ه. تا پیش از نه سالگی، ازدواج ممنوع است و پس از آن نیز، اگر ثابت شد که آمیزش زیان دارد مانع قانونی جهت این امر، تا برطرف شدن زیان، قرار داده شود.

پي نوشت ها :

1. سوره «توبه»، آیه 59.

2. سوره «نور»، آیه 58.

3. سوره «نساء»، آیه 6.

4. سوره «انعام»، آیه 153؛ «اسراء»، آیه 34.

5. سوره «یوسف»، آیه 22.

6. سوره «کَهِف»، آیه 82.

7. سوره «حج»، آیه 5.

8. سوره «قصص»، آیه 13.

9. سوره «غافر»، آیه 67.

10. سوره «احقاف»، آیه 15.

11. «وسائل الشیعه»، شیخ حر عاملی، ج 2/104، دار تحقیق مؤسسه آل البيت.

12. همان مدرک، ج 19/365؛ «تهذیب الاحکام»، شیخ طوسی، ج 9/184، دارالتعارف، بیروت؛ «فروع کافی»، ثقة الاسلام کلینی، ج 7/68، دارالتعارف، بیروت.

13. «وسائل الشیعه»، ج 18/411؛ ج 19/367؛ «من لایحضره الفقیه»، شیخ صدوق، ج 4/221، دارالتعارف، بیروت.

14. «وسائل الشیعه»، ج 1/43؛ ج 28/20؛ «فروع کافی»، ج 7/198.

15. «وسائل الشیعه»، ج 1/43؛ ج 17/360؛ ج 18/410؛ «فروع کافی»، ج 7/197.

16. «وسائل الشیعه»، ج 28/197؛ ج 18/516؛ ج 28/297.

17. «وسائل الشیعه»، ج 18/411؛ ج 19/366؛ ج 20/102؛ «فروع کافی»، ج 5/398؛ ج 7/97.

18. «وسائل الشیعه»، ج 20/101؛ «فروع کافی»، ج 5/398.

19. «وسائل الشیعه»، ج 20/102؛ «فروع کافی»، ج 5/398.

20. «وسائل الشیعه»، ج 22/179؛ «فروع کافی»، ج 6/85.

21. «وسائل الشیعه»، ج 22/183؛ «تهذیب الاحکام»، ج 7/469.

22. «وسائل الشیعه»، ج 21/85.

23. همان مدرک، ج 20/103.

24. همان مدرک.

25. همان مدرک 103/ و 493؛ «من لایحضره الفقیه»، ج 3/431.
26. «وسائل الشیعه»، ج 20/494.
27. همان مدرک، ج 29/282؛ «تهذیب الاحکام»، ج 10/234.
28. «وسائل الشیعه»، ج 20/494.
29. همان مدرک، ج 29/281.
30. همان مدرک 274/؛ ج 21/36؛ «تهذیب»، ج 7/468.
31. «وسائل الشیعه»، ج 21/36؛ «فروع کافی»، ج 5/463.
32. «وسائل الشیعه»، ج 20/278؛ «تهذیب»، ج 2/382.
33. «وسائل الشیعه»، ج 28/296-297.
34. همان مدرک، ج 19/212.
35. «جواهر الکلام»، ج 26/36-37.
36. «وسائل الشیعه»، ج 21/36.
37. همان مدرک، ج 20/103.
38. همان مدرک، ج 10/44، ج 21/37.
- یادآوری : مطلب یاد شده روایت نیست، بلکه سخن اسماعیل بن جعفر است. در این سخن قیاس نامتناسبی وجود دارد :
- ابی ایوب خراز می گوید : از اسماعیل بن جعفر پرسیدم. آیا شهادت پسر بچه رواست؟ گفت : «اذا بلغ عشر سنین.
- قال : ویجوز امره؟
- فقال : ان رسول الله دخل بعائشة وهي بنت عشر سنین ولیس یدخل بالجارية حتي تكون امرئة فاذا کان للغلام عشر سنین جاز امره وجازت شهادته.»
39. «وسائل الشیعه»، ج 20/103.
40. «وسائل الشیعه»، ج 1/45؛ «تهذیب الاحکام»، ج 2/380.
41. «وسائل الشیعه»، ج 19/367؛ ج 17/361؛ ج 19/363.
42. همان مدرک، ج 4/409؛ ج 10/236؛ «تهذیب الاحکام»، ج 4/326.
43. «وسائل الشیعه»، ج 10/237؛ ج 1/45؛ «من لایحضره الفقیه»، ج 2/122.
44. «وسائل الشیعه»، ج 20/238.
45. همان مدرک، ج 4/405.
46. همان مدرک، ج 4/408.
47. همان مدرک 411/.
48. «مستدرک الوسائل»، حاج میرزا حسین نوری، ج 2/558، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم.
49. «وسائل الشیعه»، ج 11/45؛ «فروع کافی»، ج 4/52.
50. «وسائل الشیعه»، ج 20/228؛ «من لایحضره الفقیه»، ج 2/140.
51. «وسائل الشیعه»، ج 28/295.

52. همان مدرک، ج 4/406؛ ج 7/252.
53. همان مدرک، ج 14/207.
54. «تحریرالوسیله»، امام خمینی، ج 2/254.
55. «وسائل الشیعه»، ج 20/277.
56. همان مدرک/278.
57. همان مدرک/282.
58. همان مدرک/319.
59. همان مدرک، ج 9/84.
60. «مستدرک الوسائل»، ج 2/496.
61. همان مدرک، ج 23/107.
62. همان مدرک، ج 29/115.
63. همان مدرک، ج 18/546.
64. همان، ج 1/87.
65. «وسائل الشیعه»، ج 26/219.
66. همان مدرک، ج 10/234.
67. همان مدرک/236.
68. «جامع احادیث الشیعه»، ج 10/315، در «مستدرک الوسائل»، ج 1/85، بسان این وایت بیان شده است.
البته در چند روایت، مراد از «اذا عقل»، 5 سال، یا 6 سال ذکر شده است.
69. «وسائل الشیعه»، ج 19/366؛ ج 18/410.
70. همان مدرک، 17/360.
71. همان مدرک، ج 1/44.
72. «مستدرک الوسائل»، ج 13/240، 247؛ ج 14/124.
73. «وسائل الشیعه»، ج 1/45.
74. همان مدرک، ج 1، مقدمة العبادات، ج 7.
75. همان مدرک، ج 3/10.
76. «مقنع»، 102؛ «من لایحضره الفقیه»، ج 3/413؛ ج 4/221؛ ج 2/3، 6، 21.
77. «من لایحضره الفقیه»، ج 2/122.
78. «مقنعه»، 747.
79. همان مدرک/533.
80. همان مدرک.
81. «کافی»، 294/.
82. «المبسوط»، ج 1/266.
83. همان مدرک، ج 2/283؛ ج 4/318؛ ج 7/150.
84. همان مدرک، ج 8/21.

85. «الخلافة»، شيخ طوسي، ج 2/120، 417؛ ج 3/132.
86. «نهاية» شيخ طوسي، 453/، 481، 761، 468، 490، 612.
87. «الوسيلة» 56/، 137، 301.
88. «المراسم العلوية»، 241/.
89. «مذهب» 120/، 196، 222، 284، 496.
90. «الغنية»، 594/.
91. «سرائر»، ابن ادریس، ج 1/367؛ ج 2/199، 560؛ ج 3/206.
92. «شرايع الاحكام»، ج 2/423؛ ج 4/902.
93. «المختصر النافع» 140/.
94. «مختلف الشيعة»، ج 1/423، به نقل از : «تذكرة الفقهاء»، ج 1/26.
95. «الجامع للشرايع» 360/، 428.
96. «كشف الرموز»، ج 2/108.
97. «ارشاد الازهان»، ج 1/395.
98. «تذكرة الفقهاء»، ج 2/75، 80.
99. «قواعد الاحكام»، ج 1/168.
100. «مختلف الشيعة»، ج 2/510، 525.
101. «تحرير الاحكام»، ج 1/51، 81، 218.
102. «مذهب البارع» 513/.
103. «اللمعة الدمشقية»، 51/.
104. «مسالك» ج 1/197؛ «الروضة البهية»، ج 2/144.
105. «كفاية الاحكام» 3/، 112.
106. «كشف اللثام»، ج 2/39.
107. همان مدرک.
108. «كنزالعرفان»، ج 2/102.
109. «حدائق الناضرة»، ج 20/348، 349.
110. «الغنائم» 1/437.
111. «جواهر الكلام»، ج 26/16، 38.
112. همان مدرک، کتاب الصوم/112.
113. «مفاتيح الشرائع»، تحقيق سيد مهدي رجائي، ج 1/14.
114. «تحرير الوسيلة»، ج 2/13.
115. «رساله عمليه»، آيت الله صانعي.
116. «جواهر الكلام»، ج 26/41.
117. مجله «الفكر الاسلامي»، مقاله حد الياس وحد البلوغ، نوشته محمد هادي معرفت.
118. رساله عمليه آيات عظام.

119. بسیاری از دلایلها، از مقاله های درج شده در کتاب «بلوغ»، گردآوری آقای مهدی مهریزی گرفته شده است.
120. «سرائر» 367/؛ «جواهر الکلام»، ج 26/38؛ «خلاف»، ج 2/120.
121. «وسائل الشیعه»، ج 15/409.
122. «جواهر الکلام»، ج 26/33.
123. «وسائل الشیعه»، ج 18/411.
124. حدیث 1، 4، 5 و 20 از احادیث 9 سال.
125. آیت الله خوئی در مستند العروة، ج 6/150، می نویسد :
- «ما به روایات عمار عمل نمی کنیم؛ زیرا به خاطر لغزشها و اشتباههای فراوانی که دارد، کم تر روایتی از او، خالی از اضطراب در لفظ، یا معناست؛ از این روی، نمی شود، به روایات نقل شده از وی اطمینان کرد.»
- صاحب وافی و علامه مجلسی می گویند : اگر راوی، فردی غیر از عمار می بود، به روایت حکم می کردیم.
126. سند عمل کرد کنفرانس جهانی زن در پکن، پاراگراف 274.
127. مجله «زن روز»، شماره 1647؛ مجله «پیام زن»، اردیبهشت 77.
128. مجله «زن روز»، شماره 1649.
129. مقام معظم رهبری :
- «واداشتن دختران کم سن و سال به ازدواج، حرکتی در جهت تضعیف زن و نادیده گرفتن حقوق اوست و قانون، باید با آن مقابله کند و زنان نیز، با آگاهی، هوشیاری و رشد و معرفت خود در مقابل این گونه تعدیات بایستند.»
13. مطالب این بخش، بیش تر از این کتابها گرفته شده است : «ژینکولوژی اطفال و کودکان»، «بیماریهای زنان» نواک، «گزیده اساسی طب کودکان»، نلسون، «آبستنی و زایمان»، ویلیامز، «خلاصه روان پزشکی، علوم رفتاری، روان پزشکی بالینی»، کاپلان، سادرک، «روان شناسی رشد کودک و نوجوان».
131. مجله «تربیت»، شماره 3، سال 8.
132. مجله «قضایی و حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران»، شماره 4/75.
133. «گزیده اساسی طب کودکان»، نلسون.
134. همان مدرک.
135. «خلاصه روان پزشکی» (علوم رفتاری، روان پزشکی بالینی) کاپلان، سادرک، چاپ ششم، 1991.
136. «ژینکولوژی اطفال و نوجوانان»، فصل چهارم.
137. مجله «پزشکی قانونی»، شماره 12.
138. مجله «پیام زن»، شماره 2، سال 7.
139. همان مدرک، به نقل از رئیس کمیسیون زنان و خانواده.
140. «تحریر الوسیله»، ج 2/254.
141. «جواهر الکلام»، ج 29/173، 200.
142. «سرائر»، ج 2/570.
143. سوره «بقره» آیه 228، 229، 238، 236؛ سوره «نساء» آیه 19؛ سوره «طلاق» آیه 2، 6.
144. حدیث 21 از احادیث 9 سال و حدیث 4 از روایاتی که اشاره به بلوغ دختران دارند و به مفهوم مخالف روایت 5 از همین روایات و روایت 7 از روایاتی که اشاره به بلوغ دختر و پسر دارند.

مدتی است سن 9 سال برای بلوغ دختر و واداشتن او به تکالیف اجتماعی در این سن و به طور خاص، سن ازدواج در 9 سالگی مورد سؤال قرار گرفته است.

موارد قانونی در این باره بدین قرار است :

ماده 1210 قانون مدنی اصلاحی سال 1361 :

«هیچ کس را نمی توان بعداز رسیدن به سن بلوغ، به عنوان جنون یا عدم رشد، محجور نمود، مگر آن که رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

تبصره 1 : سن بلوغ در پسر 15 سال تمام قمری و در دختر 9 سال تمام قمری است.

تبصره 2 : اموال صغیری را که بالغ شده است، در صورتی می توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد.»

ماده 1041 اصلاحی سال 1370 :

«نکاح قبل از بلوغ ممنوع است.

تبصره : عقد نکاح، قبل از بلوغ با اجازه ولی، به شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح می باشد.»

در قانون مدنی، پیش از انقلاب اسلامی ایران، قانون بدین صورت بوده است.

ماده 1041 :

«نکاح اناث، قبل از رسیدن به سن 15 سال تمام و نکاح ذکور، قبل از رسیدن به سن 18 سال، تمام ممنوع است.

مع ذلک در مواردی که مصالحی اقتضا کند، با پیشنهادمدعی العموم و تصویب محکمه، ممکن است استثنائاً

معافیت از شرط سن اعطا شود، ولی در هر حال این معافیت نمی تواند به اناثی داده شود که کم تر از 13 سال

تمام و به ذکوری شامل گردد که کم تر از 15 سال تمام دارند.»

برای آن که این ماده قانونی ضمانت اجرا داشته باشد و افراد به دلیل عرف رایج اجتماعی خویش یا دلیلهای دیگر،

در زیر سن قانونی ازدواج نکنند، ماده دیگری نیز، تصویب شده بود.

ماده سوم قانون ازدواج مصوب 20 مرداد 1310 :

«هر کس بر خلاف مقررات ماده 1041 قانون مدنی، با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده است،

مزاوجت کند به 6 ماه الی 2 سال حبس تادیبی محکوم خواهد شد. در صورتی که دختر به سن 13 سال تمام

نرسیده باشد، لااقل به دو الی سه سال حبس تادیبی محکوم می شود و در هر دو مورد، ممکن است علاوه بر

مجازات حبس به جزای نقدی از 2000 ریال الی 20000 ریال محکوم گردد و اگر در اثر ازدواج برخلاف مقررات فوق،

مواقعه، منتهی به نقص یکی از اعضا یا مرض دائم زن گردد، مجازات زوج از 5 الی 10 سال، حبس با اعمال شاقه

است و اگر منتهی به فوت زن شود، مجازات زوج حبس دائم با اعمال شاقه است. عاقد و خواستگار و سایر

اشخاصی که شرکت در جرم داشته اند نیز، به همان مجازات یا مجازاتی که برای معاون جرم مقرر است، محکوم

می شوند.»

در این نوشتار، سعی شده سن ازدواج دختر از نظر فقهی مورد بررسی قرار گیرد و با نگاهی مختصر به دیدگاه

پزشکی و روان شناسی در این موضوع، این امر مورد بحث قرار گیرد که آیا دستاوردهای علوم تجربی، با آنچه در

روایات بیان شده، ناسازگارند، یا خیر؟

امید آن که، این تلاش مورد قبول خداوند قرار گیرد و روشن گر پاره ای از ابهامها در موضوع مورد بحث باشد.

بلوغ در قرآن

بلوغ حلم «واذا بلغ الاطفال منكم الحلم فليستاذنوا كما استاذن الذين من قبلهم كذلك يبين الله لكم آياته والله عليم حكيم.» (1)

آن گاه که کودکان شما به حد بلوغ و احتلام رسیدند، باید مانند سایر بالغان با اجازه وارد شوند. خدا آیات خود را برای شما به این روشنی بیان می کند که او دانا و محکم کاراست.

«يا ايها الذين آمنوا ليستاذنكم الذين ملكت ايمانكم والذين لم يبلغوا الحلم منكم ثلاث مرات من قبل صلاة الفجر وحين تضعون ثيابكم من الظهيرة ومن بعد صلاة العشاء ثلاث عورات لكم.» (2)

ای ایمان آورندگان، باید بندگان شما که مالک آنها هستید و اطفالی که هنوز به وقت احتلام نرسیده اند در شبانه روز سه مرتبه برای ورود اجازه بخواهند : پیش از نماز صبح، پس از نماز عشا و هنگام ظهر، آنگاه که جامه از تن بر می گیرید که این سه وقت هنگام خلوت شماست.

بلوغ نکاح «وابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح فان انستم منهم رشدا فادفعوا اليهم اموالهم.» (3)

یتیمان را آزمایش کنید، تا هنگامی که بالغ شده و به ازدواج گرایش پیدا کردند، اگر آنان را به درک مصالح زندگانی خود دانا یافتید، اموالشان را به آنان بدهید.

بلوغ اشد «ولا تقربوا مال الیتیم الا بالتی هی احسن حتی یبلغ اشد.» (4)

به مال یتیم نزدیک نشوید، مگر آن که راه بهتری را برگزینید، تا آن که به حد رشد برسد.

«ولما بلغ اشد اتیناه حکما و علما وکذلک نجزی المحسنین.» (5)

چون یوسف به رشد رسید، او را حکمفرمایی و دانش بخشیدیم و چنین نیکوکاران را پاداش می دهیم.

«واما الجدار فکان لغلّامین یتیمین فی المدینة وکان تحته کنز لهما وکان ابوهما صالحا فاراد ربک ان یبلغا اشدهما و یستخرجا کنزهما رحمة من ربک.» (6)

اما بازسازی دیوار به آن جهت بود که زیر آن گنجی از دو کودک یتیمی که پدری صالح داشتند، پنهان بود. خدا خواست تا آن کودکان به حد رشد برسند، تا به لطف خدا خودشان گنج را بیرون آورند.

«يا ايها الناس ان كنتم في ريب من البعث فانا خلقناكم من تراب ثم من نطفة ثم من علقة ثم من مضغة مخلقة وغير المخلقة لنبين لكم ونقر في الارحام ما نشاء الى اجل مسمى ثم نخرجكم طفلا ثم لتبلغوا اشدكم.» (7)

ای مردم، اگر شما در روز قیامت و قدرت خدا بر برانگیخته شدن مردگان شک دارید، بدانید که ما شما را ابتدا از خاک آفریدیم، آنگاه از نطفه، سپس از خون بسته، بعد از پاره گوشت تمام و ناتمام، تا قدرت خود را بر شما آشکار سازیم و از نطفه ها آنچه را مشیت ما تعلق گیرد، در رحمها قرار دهیم، تا در وقتی معین، کودکی از رحم بیرون آوریم تا زندگی کرده و به حد رشد برسد.

«ولما بلغ اشد واستوى اتیناه حکما و علما وکذلک نجزی المحسنین.» (8)

و هنگامی که موسی به رشد رسید و کمال یافت، ما به او حکم و علم بخشیدیم و چنین به مردم نیکوکار پاداش می دهیم.

«هو الذی خلقکم من تراب ثم من نطفة ثم من علقة ثم یخرجکم طفلا ثم لتبلغوا اشدکم ثم لتکونوا شیوخا.» (9)

او خدایی است که شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه، آن گاه از خون بسته، پس از آن شما را از رحم مادر،

کودکی بیرون آورد، تا آن که به سن رشد رسیده و سپس پیر شوید.

«و وصینا الانسان بوالديه احسانا حملته امه کرها ووضعتہ کرها و حمله و فصاله ثلاثون شهرا حتی اذا بلغ اشدہ و بلغ اربعین سنة قال رب او زعنی ان اشکر نعمتک التی انعمت علی و علی والدی وان اعمل صالحا ترضیه واصلح لی فی ذریتی انی تبت الیک وانی من المسلمین.» (10)

ما انسان را به احسان در حق پدر و مادر سفارش کردیم. مادر، با رنج، بار حمل را تحمل کرد و با مشقت وضع حمل کرد و سی ماه مدت حمل و شیرخواری بود، تا وقتی که به حد رشد رسید و چهل ساله شد آن گاه سزاوار است که بگوید: خدایا مرا بر نعمتی که به من و پدر و مادر من بخشیدی شکر بیاموز و به کار شایسته ای که خشنودی تو در آن است، موفق بدار و فرزندان مرا صالح گردان. بارالها! من به سوی تو بازگشتم به درستی که من از تسلیم شدگانم.

بلوغ در روایات

روایات 9 سال 1. امام صادق (ع) می فرماید:

«حد بلوغ المرأة تسع سنين.» (11)

حد بلوغ زن نه سالگی است.

2. همان بزرگوار می فرماید:

«اذا بلغ الغلام ثلاث عشرة سنة كتبت له الحسنة وكتبت عليه السيئة وعوقب واذا بلغت الجارية تسع سنين

فكذلك وذلك انها تحيض لتسع سنين.» (12)

هنگامی که پسر سیزده ساله شد، خوبیها و بدیهای او نوشته می شود و بر بدیها کیفر می شود. زمانی که دختر نه ساله شد همان حکم را دارد؛ زیرا در نه سالگی حیض می شود.

3. همان بزرگوار می فرماید:

«اذا بلغت الجارية تسع سنين دفع اليها مالها و جاز امرها في مالها و اقيمت الحدود التامة لها و عليها.» (13)

زمانی که «دختر» به نه سالگی رسید، دارایی او، به او بازگردانده می شود و رواست که در مال خود تصرف کند و حدود تامه، به سود او و علیه او جاری می شود.

4. امام باقر (ع) می فرماید:

«الجارية اذا بلغت تسع سنين ذهب عنها اليتم وزوجت و اقيمت عليها الحدود التامة عليها و لها....» (14)

هنگامی که دختر نه ساله شد، کودکی او پایان می پذیرد و ازدواج می کند و حدود عمومی علیه او و به سود او جاری می شود.

5. همان بزرگوار می فرماید:

«فی حدیث قال: ان الجارية لیست مثل الغلام ان الجارية اذا تزوجت و دخل بها ولها تسع سنين ذهب عنها

الیتم و دفع اليها مالها و جاز امرها فی الشراء والبيع و اقيمت عليها الحدود التامة و اخذت لها وبها....» (15)

به درستی که دختر مانند پسر نیست، همانا دختر نه ساله هنگامی که ازدواج و پیوند زناشویی برقرار کند، از کودکی خارج شده و دارایی او را می توان به او واگذارد و خرید و فروش او نیز نافذ است و حدود تامه بر او جاری می شود و برای او نیز، علیه دیگری حدود تامه اجرا می شود.

6. امام صادق (ع) می فرماید:

«اذا تم للغلام ثمان سنين فجائز امره و قد و جبت عليه الفرائض والحدود و اذا تم للجارية تسع سنين كذلك.» (16)

زمانی که پسر هشت ساله شد، تصرفات مالی او روا می شود واجبات و حدود بر او جاری می گردد و زمانی که دختر نه ساله شد، همان حکم را دارد.

7 . امام باقر (ع) می فرماید :

«لايدخل بالجارية حتى ياتي لها تسع سنين او عشر سنين.» (17)

همبستر شدن با دختر تا پیش از نه یا ده سالگی جایز نیست.

8 . امام صادق (ع) می فرماید :

«اذا تزوج الرجل الجارية وهي صغيرة فلايدخل بها حتى ياتي لها تسع سنين.» (18)

هنگامی که مردی با دختر کوچکی ازدواج کرد، نباید با او پیوند زناشویی برقرار کند، تا دختر نه ساله شود.

9 . امام صادق (ع) به مردی فرمود : برو به قاضی بگو : رسول خدا(ص) فرمود :

«حد امرأة ان يدخل بها على زوجها ابنة تسع سنين.» (19)

حد زنی که شوهرش می تواند با او پیوند زناشویی برقرار کند، دختر نه ساله است [از نه سالگی به بعد].

10 . امام صادق (ع) فرمود :

«ثلاث يتزوجن على كل حال : التي لم تحض ومثلها لاتحيض.

قال : قلت : و ما حدها؟ قال (ع) : اذا اتى لها اقل من تسع سنين.» (20)

سه گروه از زنان هستند که عده ندارند : زنی که حیض نشده است و مانند او نیز حیض نمی شوند.

راوی گوید : پرسیدم : حد آن چیست؟

حضرت فرمود : هنگامی که کم تر از نه سال داشته باشد.

روایتی دیگر بمانند این روایت بیان شده است : راوی می گوید : شنیدم امام صادق (ع) می فرماید :

«ثلاث يتزوجن على كل حال التي قد يئست من المحيض... والتي تحض ومثلها لاتحيض.

قلت : و متى تكون كذلك؟

قال : ما لم تبلغ تسع سنين فانها لاتحيض و مثلها لاتحيض.» (21)

توضیح : روایاتی که دلالت می کنند : «صبيه التي لاتحيض مثلها لا عدة عليها» بسیارند ولی در این روایت، سن

مطرح شده است.

11 . از امام رضا (ع) درباره کنیز کم سنی که بالغ نشده و لازم نیست مرد او را استبرا کند(با خبر شود که حامله

است یا خیر) فرمود :

«اذا لم تبلغ استبرات شهر.

قلت : و ان كانت ابنة سبع سنين او نحوها مما لاتحمل؟

فقال : هي صغيرة ولايضرک ان لاتستبراه.

فقلت : ما بينها وبين تسع سنين؟

فقال : نعم، تسع سنين.» (22)

هنگامی که بالغ نشده، یک ماه استبرا می شود.

راوی گوید پرسیدم : اگر هفت سال یا مانند آن داشت که امکان حاملگی وجود ندارد چه باید کرد؟

حضرت فرمود : چنین دختری کوچک است و برای تو ضرری ندارد که استبرا نکنی.

سپس گفتم : بین هفت تا نه سال چطور؟

حضرت فرمود :

بله 9 سال [از 9 سال به بعد باید روشن شود که حامله است یا نه].

12 . امام صادق (ع) می فرماید :

«ان من دخل بامراته قبل تسع سنين فاصابها عيب فهو ضامن.» (23)

کسی که با همسر خود پیش از نه سالگی پیوند زناشویی برقرار کند و به دختر آسیبی وارد آید، مرد ضامن است.

13 . امام علي (ع) می فرماید :

«من تزوج بکرا فدخل بها فی اقل من تسع سنين فعيبیت ضمن.» (24)

کسی که با دختری ازدواج کند و پیش از نه سالگی، با او در آمیزد و به دختر آسیبی وارد آید شوهر ضامن است.

14. از امام صادق (ع) درباره دختر نابالغی پرسش شد که مردی با او در آمیخته و دختر آسیب دیده و مجرای

ادرار، یا نشیمنگاه با واژن او یکی شده است؟

امام فرمود :

«ان کان دخل بها حين دخل بها ولها تسع سنين فلا شیئ علیه و ان کانت لم تبلغ تسع سنين او کان لها اقل من

ذلک بقليل حين دخل بها فافتضها فانه قد افسدها و عطلها علی الازواج فعلى الامام ان يغرمه ديتها وان امسکها

ولم يطلقها حتى تموت فلاشیئ علیه.» (25)

اگر هنگام آمیزش، دختر نه سال داشته، مرد ضامن نیست، ولی اگر نه سال نداشته، اگرچه اندکی از نه سال کم

تر داشته در صورتی که با او آمیزش شده و دختر آسیب دیده و مجرای ادرار با واژن او یکی شده، در حقیقت، مرد

او را فاسد کرده و امکان ازدواج را از او سلب کرده، پس بر امام واجب است که دیه زن را بپردازد و اگر مرد تا پایان

زندگی زن، او را نگاه دارد و طلاقش ندهد، چیزی بر مرد نیست.

15. از امام باقر (ع) درباره مردی که به زن خود آسیب برساند و مجرای ادرار با واژن او را یکی کند، پرسیده شد،

امام فرمود :

«عليه الدية ان کان دخل بها قبل ان تبلغ تسع سنين.» (26)

اگر مرد پیش از نه سالگی با دختر در آمیزد، باید دیه او را بپردازد.

16 . از امام صادق (ع) روایت شده که حضرت علي (ع) می فرمود :

«من وطئ امرأة من قبل ان يتم لها تسع سنين فاعنف ضمن.» (27)

کسی که قبل از به پایان رسیدن نه سالگی، با همسر خود در آمیزد و به او آسیب برساند، ضامن است.

17 . امام صادق (ع) می فرماید :

«اذا خطب الرجل المرأة فدخل بها قبل ان تبلغ تسع سنين فرق بينهما و لم تحل له ابدا.» (28)

هنگامی که مردی با دختری که نه ساله نشده ازدواج کند و با او در آمیزد، باید بین آن مرد و همسرش جدایی

افکند و آن زن تا ابد بر آن مرد حرام است.

18. از امام باقر (ع) درباره مردی که با همسر خود در آمیخته و به وی آسیب رسانده پرسیده شد، امام فرمود :

«عليه الدية ان کان دخل بها قبل ان تبلغ تسع سنين قال : وان امسکها ولم يطلقها فلاشیئ علیه ان شاء امسک

وان شاء طلق.» (29)

اگر آمیزش، پیش از نه سالگی دختر بوده، مرد باید به او دیه بپردازد. البته اگر زن را نگهدارد و طلاق ندهد، لازم نیست دیه بپردازد. حال اگر خواست او را نگهدارد و اگر خواست او را طلاق دهد.

19. امام علی (ع) می فرماید :

«اذا تزوجت البکر بنت تسع سنین فلیست مخدوعة.» (30)

هنگامی که دختر نه ساله ازدواج کرد، فریب خورده نیست.

20. از امام صادق (ع) پرسیده شد : دختر از چه زمانی کودک به شمار نمی آید؟ شش، یا هفت ساله؟ امام فرمود :

«لا ابنة تسع لاتستصبی و اجمعوا کلهم علی ان ابنة تسع لاتستصبی الا ان یکون فی عقلها ضعف والافهی اذا بلغت تسعا فقد بلغت.» (31)

خیر، دختر نه ساله کودک به حساب نمی آید و همگی اتفاق دارند بر این که دختر نه ساله کودک به شمار نمی آید، مگر آن که در عقل او ضعفی وجود داشته باشد. در غیر این صورت، دختر هنگامی که نه ساله شد بالغ شده است.

21. راوی می گوید : از امام باقر (ع) پرسیدم :

«متی یجوز للاب ان یرزوج ابنة ولا یستامرهما؟»

قال : اذا جازت تسع سنین فان زوجها قبل بلوغ التسع سنین کان الخيار لها اذا بلغت تسع سنین. قلت : فان زوجها ابوها و لم تبلغ تسع سنین فبلغها ذلک فسکت ولم تات ذلک ایجوز علیها؟ قال : لیس یجوز علیها رضا فی نفسها ولا یجوز لها تاب ولا سخط فی نفسها حتی تستکمل تسع سنین واذا بلغت تسع سنین جاز لها القول فی نفسها بالرضا والتابی و جاز علیها بعد ذلک وان لم تکن ادرکت مدرک النساء قلت : افتقام علیها الحدود و تؤخذ بها و هی فی تلك الحال وانما لها تسع سنین ولم تدرک مدرک النساء فی الحیض؟ قال : نعم اذا دخلت علی زوجها و لها تسع سنین ذهب عنها الیتم و دفع الیها مالها و اقیمت علیها الحدود التامة علیها و لها.» (32)

چه زمانی پدر می تواند دخترش را شوهر بدهد و با او مشورت نکند؟

امام فرمود : تا زمانی که نه ساله شود. پس اگر پیش از نه سالگی او را شوهر بدهد، وقتی او نه ساله شد در قبول یا رد ازدواج مختار است.

راوی گوید : گفتم : اگر پدر، دختر را پیش از نه سالگی شوهر داد و دختر اطلاع یافت و مخالفت نکرد، آیا این ازدواج بر دختر لازم می شود؟

امام فرمود : خیر، او قبل از نه سالگی نمی تواند رضایت دهد یا رد کند، ولی وقتی نه ساله شد این اختیار را دارد و پس از اختیار، ازدواج قطعی می شود، اگر چه هنوز حیض نشده باشد.

راوی گوید : گفتم : در حالی که نه ساله شد، ولی حیض نشد آیا حدود بر او جاری می شود؟

امام فرمود : بله، وقتی وارد بر شوهر شد و نه سال داشت، کودکی او پایان یافته است، مالش را در اختیارش می گذارند و حدود علیه او و به سود او اقامه می شود.

دو روایت نیز ذکر شده که در آن حکم به قطع دست دزد نه ساله شده، ولی چون در روایت واژه «صبی» آمده و به طور خاص در مورد دختر مطلبی بیان نشده از ذکر آن خودداری می کنیم (33).

روایت 7 سال 1. امام حسن عسکری می فرماید :

«اذا بلغ الغلام ثمانی سنین فجائز امره فی ماله وقد وجب علیه الفرائض والحدود واذا اتم للجارية سبع سنین

فکذلک.» (34)

زمانی که پسران هشت ساله شدند، جایز است که در دارایی خود تصرف کنند و واجبات و حدود بر آنها واجب می شود و همین گونه اند دختران، وقتی که هفت سال آنان تمام شد.

یادآوری 1. سند روایت ضعیف است.

2. اصحاب همگی از آن روی برگردانده و کسی به مضمون آن عمل نکرده است.

3. احتمال دارد واژه تسع بوده که در نسخه برداری، در نقطه گذاری اشتباه رخ داده و تبدیل به سبع شده، از این روی، صاحب جواهر این روایت را با واژه «تسع» نقل کرده است. (35)

روایات 10 سال راوی می گوید :

«سئلته عن الجارية یتمتع منها الرجل؟

قال : نعم الا ان تكون صبیه تخدع. قال : قلت : اصلحك الله وکم الحد الذی اذا بلغته لم تخدع؟ قال : بنت عشر سنین. (36)

از امام در باره دختری پرسیدم که مرد از او بهره جنسی می برد.

امام فرمود : بله، مگر آن که دختر فریب خورد.

پرسیدم : میزانی که وقتی دختر به آن حد رسید، فریب خورده به شمار نمی آید، چه زمانی است؟

حضرت فرمود : دختر 10 ساله.

2. امام صادق از پدر بزرگوارش و آن حضرت از علی (ع) روایت کرد که فرمود :

«لا توطأ جارية لاقل من عشر سنین فان فعل فعییت فقد ضمن.» (37)

با دختر کم تر از ده سال همبستری روا نیست و اگر این کار انجام شد و دختر آسیب دید، مرد ضامن است.

اسماعیل بن جعفر می گوید :

«ان رسول الله (ص) دخل بعایشه وهی بنت عشر سنین و لیس یدخل بالجارية حتی تكون امرئة.» (38)

به درستی که پیامبر (ص) با عایشه آن گاه که دختری ده ساله بود، ارتباط زناشویی برقرار کرد و ارتباط زناشویی

برقرار نمی شود، تا این که دختر، زن به شمار آید.

یادآوری : بسیاری بر این باروند مراد از روایات نه سال، پایان نه سال است و منظور از روایات ده سال نیز، ورود در

ده سالگی است، پس روایات نه سال و ده سال، هر دو یک سن را مطرح می کنند. (39)

روایت 13 سال 1. راوی می گوید : از امام صادق (ع) پرسیدم : پسر در چه زمانی باید نماز بگزارد؟ امام فرمود :

«اذا اتی علیه ثلاث عشرة سنة فان احتلم قبل ذلک فقد وجبت علیه الصلاة وجرى علیه القلم والجارية مثل ذلک

ان اتی لها ثلاث عشرة سنة او حاضت قبل ذلک فقد وجبت علیها الصلاة وجرى علیها القلم.» (40)

هرگاه سیزده ساله شود. البته اگر پیش از سیزده سالگی محتلم شود، نماز بر او واجب است و قلم تکلیف بر او

جاری می شود. دختر هم مثل پسر است، هرگاه سیزده ساله شد، یا پیش از آن حیض شد، نماز بر او واجب می

شود و قلم تکلیف بر او جاری می گردد.

سه حدیث دیگر نیز بیان شده که در آن سیزده سالگی مطرح شده است، ولی این سه عام بوده و ذکر از دختر

به طور خاص در آنها به میان نیامده است. (41)

روایات زمان وقوع حیض درپاره ای از روایات، واجب شدن برخی از احکام بر دختران، به فرا رسیدن سن خاصی بسته نشده است، بلکه زمان واجب شدن آن احکام را زمانی بیان کرده اند که دختر حائض می گردد. در حقیقت، روشن ترین نشانه بلوغ جنسی را در دختر زمان واجب شدن پاره ای از کارهای عبادی یاد کرده اند :

1. امام صادق (ع) می فرماید :

«على الصبي اذا احتلم الصيام وعلى الجارية اذا حاضت الصيام والخمار.» (42)

پسر وقتی محتلم شد، باید روزه بگیرد و دختر وقتی که حیض شد، روزه و پوشش بر او واجب است.

2. در خبر دیگر آمده :

«على الصبي اذا احتلم الصيام وعلى المرأة اذا حاضت الصيام.» (43)

3. امام باقر (ع) می فرماید :

«لا يصلح لجارية اذا حاضت الا ان تختمر الا ان لاتجده.» (44)

دختر از هنگامی که حیض شد، نباید بدون پوشش باشد، مگر آن که وسیله پوشش نیابد.

4. راوی از پوشش زن در نماز می پرسد، امام صادق (ع) می فرماید :

«ولا يصلح للحرة اذا حاضت الا الخمار الا ان لا تجده.» (45)

آزاد (غیر کنیز) از هنگامی که حیض شد، نباید بدون پوشش باشد، مگر آن که وسیله پوشش نیابد.

5. از امام علی (ع) نقل شده که فرمود :

«اذا حاضت الجارية فلا تلتصلي الا بخمار.» (46)

از هنگامی که دختر حیض شد، نباید بدون پوشش نماز بگذارد.

6. از امام باقر (ع) درباره پوشش کنیز پرسیده شد، امام فرمود :

«لو كان عليها لكان عليها اذا هي حاضت وليس عليها التقنع في الصلاة.» (47)

اگر بر کنیز پوشش لازم باشد، این امر از زمانی است که حیض شود....

7. پیامبر (ص) می فرماید :

«لا يقبل الله صلاة جارية قد حاضت حتى تختمر.» (48)

خداوند نماز دختری را که حیض شده نمی پذیرد، مگر آن که با پوشش باشد.

8. اسحاق بن عمار می گوید : از امام رضا (ع) پرسیدم : آیا پسر ده ساله باید ج بگذارد؟ امام فرمود :

«عليه حجة الاسلام، اذا احتلم وكذلك الجارية عليها الحج اذا طمئت.» (49)

از هنگامی که محتلم می شود، بر او حج واجب است و دختر هم از زمانی که خون حیض دید، بر او حج واجب

می شود.

9. عبدالرحمان بن حجاج می گوید : از امام کاظم (ع) پرسیدم : دختر نابالغ، از چه زمانی باید سر خود را از نامحرم

پوشاند و چه زمانی باید در نماز با پوشش باشد؟ امام فرمود :

«لاتغطي راسها حتى تحرم عليها الصلاة.» (50)

از زمانی که گزاردن نماز بر او حرام می شود [یعنی از زمانی که حیض می شود].

10. امام صادق (ع) می فرماید :

«اتی علی (ع) بجاریه لم تحض قد سرقت فضربها اسواطاً ولم تقطعها.» (51)
حضرت علی (ع) درباره دختری که هنوز حائض نشده و دزدی کرده بود، دستور داد که او را چند تازیانه بزنند، ولی دست او را قطع نکنند.

روایاتی که اشاره به بلوغ دختر دارد 1. پیامبر اکرم (ص) می فرماید :
«ثمانیه لایقبل الله لهم صلاة : منهم المرأة المدركة تصلی بغیر خمار.» (52)
هشت گروهند که نماز آنان مورد قبول خداوند واقع نمی شود. یک گروه از آنان دختران بالغ هستند در حالی که نماز خود را بدون پوشش بخوانند.

2. «... قال سالت ابا عبدالله (ع) عن الجارية الصغیرة یزوجها ابوها ا لها امر اذا بلغت؟
قال : لا، لیس لها مع ابیها امر.
قال : و سالت عن البکر اذا بلغت مبلغ النساء ا لها مع ابیها امر؟
قال : لیس لها مع ابیها امر ما لم تکبر «تثیب».» (53)
راوی گوید : از امام صادق (ع) سؤال کردم که آیا دختر بچه ای که پدرش او را به عقد ازدواج دیگری درآورده است، هنگامی که بالغ شد در امر ازدواج خود اختیاری دارد؟
حضرت فرمود : خیر، با وجود پدرش او دیگر اختیاری ندارد.
راوی گوید : سؤال کردم دختر باکره، آن گاه که چون زنان بالغ شد، آیا با وجود پدرش، اختیاری در امر ازدواج خویش دارد؟

حضرت فرمود : مادامی که بزرگ نشده است، با وجود پدرش، اختیاری در امر ازدواج خویش ندارد [در نسخه دیگر : مادامی که با کره باشد....].

نکته : در این موضوع، فقها دیدگاههای گوناگونی دارند و روایات نیز، در این زمینه گوناگونند بسیاری از فقیهان، به دلیل روایات موجود در این زمینه، اعتقاد دارند : دختر بالغ رشید، گرچه تاکنون ازدواج نکرده و باکره باشد، باید راضی به ازدواج باشد. البته راضی بودن دختر به تنهایی، کافی نیست، بلکه راضی بودن پدر نیز، شرط است، مگر آن که دختر مایل به ازدواج با مردی باشد که در عرف و شرع همتای او به شمار می آید و پدر اجازه ندهد که در این صورت، اجازه پدر لازم نیست. (54)

3. علی بن یقطین می گوید : از امام رضا (ع) درباره دختر و پسر سه ساله و یا کوچک تر که به عقد ازدواج دیگری در می آید، پرسیدم : وقتی دختر بالغ شد و راضی به این ازدواج نبود، حکم این دختر چیست؟ امام فرمود :
«لاباس بذلک اذا رضی ابوها او ولیها.» (55)

هنگامی که پدر و یا ولی او به این امر راضی بودند، اشکالی ندارد.

4. راوی می گوید از امام باقر (ع) درباره دختر بچه ای که به عقد پسر بچه ای در می آید پرسیدم، امام فرمود :

«ان کان ابوهاما اللذان زوجاهما جایز ولكن لهما الخيار اذا ادركا....» (56)

اگر پدر آن دو، آنان را به عقد ازدواج یکدیگر درآورده اند، این عقد جایز است، ولی این دختر و پسر هنگامی که بالغ شدند اختیار دارند که آن را بپذیرند یا نپذیرند.

5. «عن محمد بن اسماعیل ابن بزيع قال : ساله رجل عن رجل مات و ترک اخوين وابنة والبنت صغيرة فعقد احد الاخوين الوصی فزوج الابنة من ابنه....

فقال : الرواية فيها انها للزوج الاخير وذلك انها قد كانت ادركت حين زوجها وليس لها ان تنقض ما عقدته بعد ادراكها.» (57)

راوی گوید : مردی از او پرسید درباره مردی که از دنیا رفته و از او دو برادر و یک دختر و یک دخترچه باقی مانده است، آن گاه یکی از دو برادر، که وصی میت است، دختر او را به عقد ازدواج پسر خود در می آورد [سپس پدر شوهر از دنیا می رود و برادر دیگر، دختر را به عقد ازدواج پسرش در می آورد....]

گفت : روایت در این مساله این است که : دختر از آن شوهر آخری است؛ زیرا هنگام ازدواج بالغ بوده است و دختر نمی تواند ازدواج با مردی را که پس از بلوغ با او ازدواج کرده است، بر هم بزند.

6. ابی بکر از امام صادق (ع) از دختر نابالغی می پرسد که در حال زنا با مردی یافت شده است، امام می فرماید : «تضرب الجارية دون الحد ويقام على الرجل الحد.» (58)

برمرد حد جاری می شود، ولی بر دختر حد جاری نمی شود، تنها تعزیر می شود.

روایاتی که اشاره به بلوغ اعم از دختر و پسر دارد 1. امام صادق (ع) می فرماید :

«ليس على مال اليتيم زكاة و ان بلغ اليتيم فليس عليه لما مضى زكاة ولا عليه فيما بقى حتى يدرك فاذا ادرك فانما عليه زكاة واحد ثم كان عليه مثل ما على غيره من الناس.» (59)

یتیم تا زمان بلوغ، در دارایی پیش خود و یا آنچه از پیش از بلوغ برایش باقی مانده، لازم نیست زکات بپردازد، پس هنگامی که بالغ شد، یک زکات باید بپردازد، سپس حکم او مانند سایر مردم می گردد.

2. امام صادق (ع) در تفسیر آیه «وابتلوا الیتامی» می فرماید :

«من كان في يده مال بعض اليتامى فلا يجوز له ان يعطيه حتى يبلغ النكاح ويحتلم.» (60)

کسی که مالی از یتیمان نزد او باشد، حق ندارد مال را در اختیار یتیم بگذارد، مگر آن که یتیم به بلوغ جنسی و احتلام برسد.

3. امام علی (ع) می فرماید :

«إذا اسلم الاب جر الولد الى الاسلام فمن ادرك من ولده دعى الى الاسلام فان ابى قتل وان اسلم الولد لم يجر ابويه ولم يكن بينهما ميراث.» (61)

هنگامی که پدر مسلمان شد، فرزند نیز مسلمان به شمار می آید. پس هر کدام از فرزندان او بالغ شد، به اسلام فراخوانده می شود. اگر اسلام را نپذیرفت، به قتل می رسد، ولی اگر فرزند مسلمان شود پدر و مادر او مسلمان به شمار نمی آید و بین فرزند و پدر و مادر میراثی وجود ندارد.

4. امام علی (ع) درباره کودکانی که پدرشان کشته شده بود، فرمود :

«انتظروا بالصغار الذين قتل ابوهم ان يكبروا فاذا بلغوا خيروا فان احبوا قتلوا او عفووا او صالحوا.» (62)

صبر کنید تا بزرگ شوند پس هنگامی که بالغ شدند، تصمیم می گیرند اگر دوست داشتند قاتل را به قتل می رسانند، یا می بخشند و یا مصالحه می کنند.

5. از امام صادق (ع) روایت شده درباره کودکی که جوان شد و مسیحیت را برگزید، در حالی که پدر و مادرش، یا یکی از آن دو مسلمان هستند، فرمود :

«لايترك ولكن يضرب على الاسلام.» (63)

این جوان رها نمی شود، ولی برای اسلام مورد ضرب قرار می گیرد.

6. امام رضا (ع) می فرماید :

«وان الصبی لایجرى علیه القلم حتی یبلغ.» (64)

بر کودک قلم جاری نمی شود. [گناهان او ثبت نمی گردد] تا زمانی که بالغ شود.

7. راوی می گوید از امام صادق (ع) از پسر بچه و دختر بچه ای پرسیدم که :

«زوجهما ولیان لهما و هما غیر مدرکین.»

قال : فقال : النکاح جائز ایهما ادرك كان له الخيار فان ماتا قبل ان بدر كاملا ميراث بينهما ولا مهر الا ان يكونا قد ادركا ورضيا.

قلت : فان ادرك احدهما قبل الآخر.

قال : يجوز ذلك علیه ان هو رضي.

قلت : فان كان الرجل الذی ادرك قبل الجارية ورضی النکاح ثم مات قبل ان تدرك الجارية اثرته؟

قال : نعم يعزل ميراثها منه حتی ادرك و تحلف بالله مادعاها الى اخذ الميراث الا رضاها بالتزويج ثم يدفع اليها الميراث و نصف المهر.

قلت : فان ماتت الجارية ولم تكن ادركت ايرثها الزوج المدرک؟

قال : لا لان لها الخيار اذا ادركت.

قلت : فان كان ابوها هو الذی زوجها قبل ان ادركت؟

قال : يجوز عليها تزوج الاب ويجوز على الغلام والمهر على الاب للجارية.» (65)

ولی آنان، آن دو را به عقد ازدواج یکدیگر در آورده اند.

حضرت فرمود : عقد ازدواج جایز است و هر کدام آنان، زمانی که بالغ شدند، اختیار دارند که ازدواج را بپذیرند یا نپذیرند. حال اگر هر دو قبل از بلوغ بمیرند، از یکدیگر ارث نمی برند و به دختر نیز مهریه پرداخت نمی شود، مگر آن که بالغ شوند و به ازدواج رضایت دهند.

راوی گوید پرسیدم : اگر یکی زودتر از دیگری بالغ شد، چه حکمی دارد؟

حضرت فرمود : عقد ازدواج برای او اگر راضی به ازدواج باشد، جایز است.

پرسیدم : اگر پسر قبل از دختر بالغ شد و راضی به ازدواج شد، ولی هنوز دختر بالغ نشده، پسر از دنیا رفت، آیا دختر از پسر ارث می برد؟

حضرت فرمود : باید سهم الارث زن از اموال پسر جدا شود و وقتی دختر بالغ شد، بگویند که به ازدواج راضی بوده است، یا نه. البته باید قسم بخورد که به ازدواج [در صورت ادامه حیات پسر] راضی است و علت اعلام رضایت او بهره برداری از اموال او با عنوان ارث نیست. آن گاه سهم دختر را از ارث می دهند و نصف مهریه او را نیز از اموال شوهر به او می پردازند.

راوی گوید پرسیدم : حال اگر دختر پیش از بلوغ از دنیا رفت، آیا پسر که بالغ شده است از دختر ارث می برد؟

حضرت فرمود : ارث نمی برد؛ زیرا ممکن است دختر اگر زنده می ماند، پس از بلوغ به ازدواج رضایت نمی داد.

پرسیدم : اگر پدر دختر، او را قبل از بلوغ به عقد ازدواج پسر درآورده باشد، چه حکمی دارد؟

حضرت فرمود : تزویج پدر بر دختر و پسر جایز است و مهریه را باید پدر به دختر بپردازد.

توان جسمانی شرط در واجب بودن روزه در سه روایت توان جسمی برای روزه شرط شده است :

1. از امام صادق (ع) پرسیده شد : کودک از چه زمانی باید روزه بگیرد؟ فرمود :
«إذا قوى على الصيام.» (66)

هنگامی که توان روزه گرفتن را پیدا کرد.

2. امام صادق (ع) می فرماید :

«إذا اطاق الصبي الصوم وجب عليه الصيام.» (67)

هنگامی که کودک طاقت روزه را داشت روزه بر او واجب می شود.

3. حضرت علي (ع) فرمود :

«يجب الصلوة على الصبي اذا عقل والصوم اذا اطاق والشهادة والحدود اذا احتلم.» (68)

نماز هنگامی بر کودک واجب می شود که عاقل گردد و روزه، آن گاه که طاقت جسمانی پیدا کند و حدود، زمانی که محتلم گردد.

رشد شرط در داد و ستدها خداوند در آیه 6 سوره نساء، افزون بر بلوغ، رشد را نیز در انجام داد و ستدها لازم می داند. روایات نیز به این مطلب اشاره دارند، از جمله :

1. راوی می گوید : از امام صادق (ع) درباره دختر یتیم پرسیدم : چه زمانی دارایی او را می توان در اختیارش قرار داد؟ حضرت فرمود :

«إذا علمت انها لاتفسد ولاتضيع. فسالته : ان كانت زوجت. فقال : اذا زوجت فقد انقطع ملك الوصى عنها.» (69)
هنگامی که دانستی اموال خود را فاسد و ضایع نمی کند....

2. امام صادق (ع) می فرماید :

«انقطاع یتیم الیتیم الاحتلام وهو اشد وان احتلم ولم یؤنس منه رشده وکان سفیها او ضعیفا فلیمسک عنه ولیه ماله.» (70)

پایان کودکی، زمان محتلم شدن است... اگر کودک محتلم شد، ولی در او رشد نیافتید و سفیه یا ضعیف بود، ولی او باید اموال او را نگهداری کند.

3. از امام موسی بن جعفر (ع) پرسیده شد از یتیم، چه زمانی کودکی او پایان می پذیرد؟ امام فرمود :

«إذا احتلم و عرف الاخذ والعطاء.» (71)

هنگامی که محتلم شد و شناخت نسبت به به دست آوردن اموال و بخشیدن آن پیدا کرد.

4. امام صادق (ع) درباره سرپرست یتیم می فرماید :

«إذا قرأ القرآن و احتلم واونس منه الرشد دفع الیه ماله وان احتلم ولم یکن له عقل یوثق به لم یدفعه الیه وانفق منه بالمعروف علیه.» (72)

هنگامی که یتیم قرآن خواند و محتلم شد و در او رشد دیده شد، اموال او به او پرداخته می شود، ولی اگر یتیم

محتلم شد و دارای درک و عقلی که بتوان به آن اعتماد کرد نشده بود، اموال او را به دست او نمی سپارند و از

اموال او مخارج او را به نیکی و شایستگی می پردازند.

احتلام در پاره ای از روایات، زمان واجب شدن پاره ای از تکالیف بر کودک، از زمان احتلام او مطرح شده است. در بیش تر این روایات، نشانه هایی وجود دارد که روشن می سازد مراد از احتلام، خارج شدن منی از پسران است و

دختران منظور نیستند، از جمله : تقابل و رویارویی که بین حیض و احتلام در متن پاره ای از این روایات به چشم می خورد از نظر پزشکی نیز احتلام در دختران پیش از ازدواج، بسیار کم رخ می دهد. شاید بتوان گفت : به دلیل بسیار کم بودن احتلام در دختران، مراد از حلم در روایات، محتمل شدن پسران باشد. شماری از فقها به این روایات استناد کرده و آن را به دختران نیز گسترانده اند.

از جمله روایتی که در این بحث می تواند مورد استفاده قرار گیرد این حدیث شریف است :
علي (ع) می فرماید :

«ان القلم يرفع عن ثلاثة : عن الصبي حتى يحتلم وعن المجنون حتى يفيق وعن النائم حتى يستيقظ.» (73)
به درستی که قلم تکلیف از سه گروه برداشته شده است : از کودک تا زمانی که محتمل شود، از دیوانه تا زمانی که عاقل گردد و از کسی که در خواب است تا زمانی که بیدار شود.
روایاتی چند اشاره به این مطلب دارند : کارهای گوناگون فردی و اجتماعی در یک زمان، بر فرد لازم و واجب می گرد و جداسازی بین زمان واجب شدن کارهای عبادی و زمان واجب شدن کارهای اجتماعی وجود ندارد.
اکنون به نمونه هایی از این روایات اشاره می گردد :

1. روایاتی که نوشتن خوبیه و بدیه را در یک زمان، دانسته، یا پایان کودکی را یک زمان بیان کرده و یا کارهای عبادی و اجتماعی را جدا جدا یادآور شده و برای همگی یک زمان را در نظر گرفته اند، مانند روایات : 2، 4، 5، 20، 21 و 6 از روایات نه سال، روایات 1 و 2 از روایات 13 سال و روایت 6 از روایات بلوغ جنسی در دختر و پسر و حدیث رفع (حدیث احتلام).

2. امام رضا (ع) درباره زمان بلوغ می فرماید :

«ما اوجب على المؤمنين الحدود.» (74)

زمان بلوغ آن هنگام است که حدود بر مؤمنان واجب می گردد.

3. امام صادق (ع) می فرماید :

«انما يجب ان يصلى على من وجبت عليه الصلاة والحدود ولا يصلى على من لم تجب عليه الصلاة ولا الحدود.» (75)

نماز میت از زمانی بر کودک واجب می شود که نماز بر خود او واجب شده و حدود نیز بر او واجب باشد و بر کسی که هنوز نماز و حدود واجب نشده، واجب نیست که نماز میت گزارده شود.

جمع بندی آیات و روایات در آیات، آنچه از کارهای واجب عبادی و اجتماعی به آن اشاره شده، زمان جایز بودن تصرف در اموال است که آن هم از هنگام بلوغ نکاح و هرگاه که رشد فرد ثابت شد، خواهد بود.
در روایات هر چند بحثهایی چند در سند و نیز دلالت آنها وجود دارد، ولی با فرض امکان استناد به آنها می توان مطالب یاد شده را در روایات، بدین گونه دسته بندی کرد :

روایات 9 سال : دست کم 21 روایت داریم که دلالت بر نه سال می کنند. سند حدود ده روایت صحیح است، در صورتی که روایات هفت سال و ده سال نیز، همان پایان نه سال را مورد نظر داشته باشند، شمار این روایات، به بیست و چهار می رسد که البته ممکن است پاره ای از روایاتی که محتوای بسیار همانند دارند و دارای سندهای گوناگونند، جدا جدا به شمار آیند که در این صورت، شمار روایات بیش تر از این خواهد بود.

الف. ده روایت بیان می کنند : با دختر از نه سالگی می توان آمیزش کرد و اگر مردی با زن خود، پیش از نه سالگی

آمیزش داشته باشد و زن آسیب ببیند مرد ضامن است و احکامی علیه او اجرا می گردد.

ب. پنج روایت بیان می کنند : حدود به سود دختر نه ساله و علیه او اجرا می گردد.

ج. چهار روایت بیان می کنند : دختر نه ساله دیگر کودک به شمار نمی آید و نه سالگی حد بلوغ دختر است.

البته یکی از این روایات اشاره می کند : دختر نه ساله تنها اگر کم خرد باشد، کودک به شمار می آید.

د. دو روایت بیان می کنند : از نه سالگی کارهای نیک و گناهان دختر ثبت می شود و در برابر گناهان کیفر می بیند.

ه. یک روایت نیز نه سال را زمان واجب شدن کارهای عبادی بیان داشته است.

و. سه روایت بیان می دارند : دختر از نه سالگی می تواند در اموال خویش تصرف کند (البته به قرینه آیه ها و

روایات دیگر، به شرط آن که رشد فکری جهت انجام دادوستدها را هم داشته باشد).

ز. دو روایت بیان می دارند : تا پیش از نه سالگی امکان حیض دختر وجود ندارد. یک روایت می گوید : امکان

پدیدآمدن حیض، از نه سالگی است. یک روایت بیان می کند : حکم به حاملگی دختر پیش از نه سال نمی توان کرد، از این روی عده و استبرا ندارد.

ح. یک روایت می گوید : دختر نه ساله در ازدواج خویش فریب خورده نیست.

ط. یک روایت می گوید : دختر اگر پیش از نه سال توسط ولی خود به عقد ازدواج کسی درآمده باشد، پس از نه سالگی می تواند این ازدواج را بپذیرد، یا نپذیرد.

روایت 7 سال : تصرف در اموال و واجب شدن کارهای عبادی و اجرای حدود را از این زمان به بعد می داند.

روایات 10 سال : سه روایت است که یک روایت می گوید : از این زمان به بعد دختر فریب خورده به شمار نمی آید

و دو روایت می گویند : با دختر کم تر از ده سال نباید آمیزش کرد.

روایات 13 سال : واجب شدن نماز و جاری شدن قلم تکلیف بر دختر را از این سن و یا از زمان پدید آمدن حیض،

در صورتی که پیش از سیزده سال رخ داده باشد، می دانند.

روایات حیض : ده روایت در این باره وجود دارد :

الف. چهار روایت : زمان واجب شدن پوشش، از زمان وقوع حیض به بعد می باشد.

ب. چهار روایت : زمان واجب شدن حجاب در نماز، از زمان وقوع حیض به بعد است.

ج. دو روایت : زمان واجب شدن روزه از زمان وقوع حیض به بعد است.

د. یک روایت : زمان واجب شدن حج از زمان وقوع حیض به بعد است.

ه. یک روایت : می گوید امام (ع) قبل از این زمان، بر دختر حدود را اجرا نکرده است.

روایات بلوغ دختر : در این باره، پنج روایت وجود دارد :

الف. یک روایت : واجب شدن حجاب در نماز، از زمان بلوغ دختر به بعد است.

ب. سه روایت : درباره پذیرفتن و نپذیرفتن دختر ازدواج کودکی خود را از سوی پدر یا ولی.

ج. یک روایت : در این باره که دختر بالغ نمی تواند ازدواج خود را بر هم زند.

روایات بلوغ کودک : در این باره هفت روایت وجود دارد :

الف. یک روایت می گوید : پس از بلوغ کودک، پرداخت زکات بر او واجب می شود.

ب. دو روایت می گوید : حد مرتد پس از بلوغ کودک اجرا می شود.

ج. یک روایت می گوید : کودک پس از بلوغ علیه دیگران حد را می تواند اجرا کند.

- د. یک روایت می گوید : پس از بلوغ کودک او می تواند در اموال خود تصرف کند.
- ه. یک روایت می گوید : کودک وقتی بالغ شد، می تواند نسبت به ازدواج زمان کودکی خویش تصمیم بگیرد.
- و. یک روایت می گوید : از زمان بلوغ کارهای فرد ثبت می گردد.

آرای فقیهان فقیهان در بیان آرای فقهی خود، به طور معمول در کتاب «الحجر» و گاه در کتاب الصلاة یا صوم یا زکات یا حج، یا تجارة یا نکاح یا حدود و قصاص و بسیار کم در جاهای دیگر، به بحث بلوغ پرداخته اند که سعی می شود آرای فقهی معروف از ابتدای عصر غیبت، به گونه مختصر ذکر شود.

یادآوری: 1. واژه بلوغ در آرای فقهی یاد شده در جدول زیر، به معنای زمان واجب شدن کارهای شرعی است.

2. فقیهان که چند نشانه برای بلوغ یاد کرده اند، هر نشانه را که زودتر واقع شد، نشانه شروع کارهای واجب می دانند.

نام فقیه تاریخ نام کتاب رای فقیه

شیخ صدوق م. 381 مَقْنَع و من لایحضر ازدواج دختر از نه سالگی رواست، در چهار مورد رای خویش را این گونه بیان می کند : دختر از 9 سالگی می تواند با همسر خود ارتباط زناشویی داشته باشد.

روایاتی که دلالت بر جایز نبودن می کنند، ارتباط زناشویی پیش از نه سال را می گویند. (76)

روایات، واجب بودن روزه و پوشش را از زمان حیض به بعد، بیان کرده اند. (77)

شیخ مفید م. 413 مَقْنَع بیان می کند : اگر مردی با دختر کم تر از نه سال آمیزش کرد و او آسیب دید، چه حکمی دارد؟ (78)

سن امکان حیض را 9 سالگی دانسته و عده طلاق نه ساله یا بیشتر را که با او آمیزش شده، سه ماه یاد کرده است. (79)

از زمان وقوع حیض به بعد روزه واجب است. (80)

ابی الصلاح حلبی م. 447 کافی آمیزش با دختر، از نه سال به بعد جایز است. (81)

شیخ طوسی م. 460 مَبْسُوطِ بلوغ که شرط در واجب شدن کارهای عبادی است، در دختر ده سال است. (82)

بلوغ دختر نه سالگی است و آمیزش قبل از نه سال جایز نیست. (83)

سن بلوغ را در دختر و پسر پانزده سال بیان می کند. (84)

خلاف بلوغ دختر نه سالگی است و آمیزش پیش از نه سالگی جایز نیست. (85)

نهایت زمانی که دختر برای ازدواج خویش می تواند تصمیم بگیرد، نه سالگی است و آمیزش با دختر کم تر از نه سال جایز نیست، حد بلوغ دختر نه سالگی است. (86)

ابن حمزه م. 500 الوسیله دختر در نه سالگی بالغ می شود و حیض نیز نشانه بلوغ است.

بلوغ دختر به حیض یا پایان پذیرفتن ده سال است و حاملگی نیز نشانه بلوغ است. (87)

سلار م. 463 المراسم العلویه امکان حیض در نه سالگی است و آمیزش از نه سال به بعد جایز است. (88)

ابن براج م. 481 مَهْذَبِ بلوغ دختر نه سالگی است. (89)

ابن زهره م. 585 غْنِیه بلوغ دختر نه سالگی است. (90)

ابن ادریس م. 598 سرائر بلوغ دختر، حیض یا حاملگی یا نه سالگی است و آمیزش پیش از نه سال جایز

نیست. بلوغ دختر به نه سالگی یا حیض یا حمل یا احتلام یا رویش موی خشن بر شرمگاه است. (91)

محقق حلی م. 676 شرایع بلوغ دختر نه سالگی است. بلوغ شرعی در دختر، پایان پذیرفتن نه سال و آمیزش در ده سالگی است. (92)

مختصر النافع بلوغ دختر نه سالگی است، یا از زمان خارج شدن منی، یا رویش موی خشن بر شرمگاه. (93)

ابن جنید زمان رفع حجر دختر و زمان ازدواج او نه سالگی است. دختری که نه سالش تمام شده، صغیر به شمار نمی آید. (94)

یحیی بن سعید م. 689 الجامع للشرائط بلوغ دختر نه سالگی است و نیز احتلام، حیض و حمل. آمیزش، پیش از نه سال جایز نیست. (95)

فاضل آبی م. 690 کشف الرموز آمیزش، پیش از نه سالگی دختر جایز نیست. (96)

علامه حلی م. 726 ارشاد الاذهان بلوغ دختر نه سالگی یا خارج شدن منی یا رویش موی خشن بر شرمگاه است. (97)

تذکره الفقهاء بلوغ دختر نه سالگی است. (98)

القوائد بلوغ دختر، نه سالگی است و حیض و حمل دلالت بر بلوغ در گذشته دارد. (99)

مختلف بلوغ دختر نه سالگی، یا احتلام، یا حمل، یا حیض، یا رویش موی خشن بر شرمگاه است. آمیزش از نه سال به بعد جایز است. (100)

تحریر الاحکام بلوغ دختر نه، یا ده سالگی و یا رویش موی خشن بر شرمگاه و یا احتلام است. بلوغ دختر نه سالگی، یا حیض یا احتلام یا رویدن موی خشن بر شرمگاه است. حیض و حمل دلالت بر بلوغ دارند. (101)

ابن عهده المذهب البارع در بلوغ دختر دو قول است: مشهور نه سال و قول دیگر ده سال. (102)

شهید اول م. 786 للمعه بلوغ دختر که شرط واجب شدن عبادات است، احتلام، یا رویش موی خشن بر شرمگاه، یا نه سالگی است. (103)

شهید ثانی م. 965 مسالک بلوغ دختر، مشهور نه سالگی است ده سالگی هم نقل شده. الروضة البهیه بلوغ دختر که شرط واجب شدن عبادات است، احتلام، یا رویش موی خشن بر شرمگاه یا برابر مشهور، پایان پذیرفتن نه سال قمری است. (104)

فاضل سبزواری م. 1090 کفایة الاحکام بلوغ دختر به خارج شدن منی، رویش موی خشن بر شرمگاه و نه سالگی بنا بر قول مشهور است. (105)

فاضل هندی م. 1137 کشف اللثام آمیزش با دختر، پیش از نه سال حرام است. (106)

دختری که نه ساله نشده کودک است. (107)

فاضل مقداد کنز العرفان بلوغ دختر نه سالگی است (در بحث ازدواج). (108)

شیخ یوسف بحرانی م. 1186 حدائق بلوغ دختر در نه سالگی است و در نه سالگی کارهای عبادی بر دختر واجب می شود. (109)

محقق قمی الغنائم بلوغ دختر، نه سالگی است و در نه سالگی کارهای عبادی بر دختر واجب می شود. (110)

صاحب جواهر م. 1266 جواهر الکلام بلوغ دختر پایان نه سالگی است، بنابر مشهور. (111)

شیخ انصاری م. 1281 کتاب الصوم اقرب آن است که دختر با پایان یافتن نه سالگی بالغ می گردد. (112)

فیض کاشانی مفاتیح الشرایع روزه در سیزده سالگی بر دختر واجب می شود، مگر آن که پیش از آن حیض

شود. حدود در پایان نه سالگی او اجرا می شود. وصیت و عتق در ده سالگی او صحیح است. (113)

امام خمینی تحریر الوسیله بلوغ دختر به یکی از امور سه گانه شناخته می شود : 1. رویش موی خشن بر شرمگاه 2. خارج شدن منی. 3. پایان نه سالگی . (114)

با بررسی آرای فقیهان روشن گردید :

1. همگان سن را به عنوان حد بلوغ مطرح کرده اند. البته شیخ مفید تنها در بحث واجب بودن روزه، زمان آن را وقوع حیض بیان کرده. شیخ صدوق نیز در دو کتاب خود، واجب شدن روزه و حجاب را از زمان حیض به بعد یاد کرده است.

2. شماری افزون بر سن، حیض را نیز، به عنوان زمان بلوغ؛ یعنی زمان واجب شدن کارهای عبادی و اجتماعی مطرح کرده اند، ولی گفته اند : خونی که دختر پیش از نه سالگی ببیند، خون حیض نیست. بنابراین، در همه دختران، نه سالگی زمان واجب شدن کارهای عبادی و اجتماعی است، حال چه در همان نه سالگی حیض شوند، یا پس از آن. (فایده ذکر حیض در جایی است که سن فردی روشن نباشد.) آنان که احتلام یا رویش موی خشن بر شرمگاه یا حمل را مطرح کرده اند، در صورت تقدم سن، نه سالگی دختر را زمان وجوب تکالیف دانسته اند.

3. سن واجب شدن کارهای عبادی و اجتماعی را بر دختر، همه، نه سال بیان داشته اند، به جز شیخ طوسی و ابن حمزه که در برخی کتابهای خویش، نه سال و در برخی دیگر ده سال را مطرح کرده اند و البته شیخ طوسی در مبسوط پانزده سال را هم بیان کرده است.

یکی از آقایان، در رساله عملیه خود، سیزده سال را در صورتی که نشانه حیض یا رویش موی خشن بر شرمگاه پیش از آن واقع نشده باشد، زمان واجب شدن تکالیف ذکر کرده است. (115)

4. فیض کاشانی نیز، رای خاصی دارد :

آن گونه که صاحب جواهر نیز بیان داشته، همه فقهای شیعه و اهل سنت، یک زمان را زمان واجب شدن تکالیف دانسته اند و بین تکلیفهای گوناگون فرق قائل نشده اند. (116)

در این موضوع، فیض کاشانی رایی جداگانه داشته، روزه را در سیزده سالگی یا زمان وقوع حیض قبل از سیزده سال و حدود را نه سالگی، واجب و وصیت و عتق را در ده سالگی جایز دانسته است.

یکی از آقایان، در معاملات (بیع، اجاره، وصیت، عتق، طلاق) ده سالگی را به شرط رشد فکری، در حدود شرعی و تعزیرات، رسیدن به حد زنانگی و در کارهای عبادی (نماز، روزه، حج و...) سیزده سالگی یا حیض را زمان واجب شدن این کارها دانسته است. (117)

5. مراجع تقلید زمان ما، همگی، نه سال را زمان واجب شدن همه تکالیف می دانند. این مراجع عبارتند از : آیات عظام : خمینی، خویی، اراکی، نجفی مرعشی، گلپایگانی، صدر، خامنه ای، فاضل لنکرانی، وحید، شبیری زنجانی، تبریزی، بهجت، مکارم و سیستانی. (118)

بررسی دلایلهای فقیهان (119) دلایلهای باورمندان به واجب شدن کارهای عبادی و اجتماعی پس از پدید آمدن حیض :

1. آیه، در بیان بلوغ، سن را مطرح نکرده است و اگر سن نشانه بود، باید ذکر می شد زیرا واپس انداختن بیان از وقت نیاز، نکوهیده و نادرست است.

2. آیه «نساءکم حرث لکم» مفید این معناست که تا وقتی به طور طبیعی شایستگی تولید فرزند در زنان نباشد، شایستگی ازدواج ندارند.
3. از پیامبر (ص) روایتی در مورد سن نداریم و به دلیل نکوهیدگی واپس انداختن بیان از وقت نیاز، اگر سن بلوغ تشریع دینی بود، باید در زمان پیامبر (ص) بیان می شد.
4. روایات بسیاری زمان حیض را به عنوان زمان واجب شدن پاره ای از تکالیف مطرح کرده اند.
5. روایاتی بلوغ را درپاره ای از تکالیف مطرح کرده اند.
6. روایاتی احتلام را به میان آورده اند.
7. در روایات، سنهای گوناگونی بیان شده است : 9، 10 و 13 پس ملاک، حیض است که سبب به افراد گوناگون، فرق می کند.
8. قید «ذلک انها تحيض» در روایت دوم از احادیث نه سال، نشانه این است که ملاک حیض است و نه سن.
9. قید «اذا تزوجت و دخل بها و لها تسع سنين» نشانه بر این است که در 9 سال در حقیقت رشد جسمانی جهت ازدواج موردنظر بوده که با حیض این رشد اثبات می گردد.
10. تردید در روشن کردن سن درروایت امام باقر (ع) (حدیث 7 از روایات 9 سال) نشانگر آن است که سن، از روی تعبد مطرح نیست : «لايدخل الجارية حتى ياتي لها تسع سنين او عشرة سنين».
11. در روایاتی که روایی تصرف در مال، بر سن خاصی مترتب شده، به بیان روشن آیات، روایات و فتاوای فقها، برای تصرفات مالی، افزون بر بلوغ، رشد نیز لازم است، پس سن در شرایطی فرض شده که کودک رشید شده است.
12. درموثقه عمار ساباطی (حدیث 8 از روایات زمان وقوع حیض) برخلاف پرسش پرسش کننده، امام (ع) می فرماید : «وكذا الجارية عليها الحج اذا طمئت».
13. بلوغ امری تکوینی است، پس اماره آن هم باید امری تکوینی باشد که عادت ماهیانه است. این مطلب با بیانی دیگر نقل شده :
- «سلوک شارع در جعل احکام نسبت به موضوعات طبیعی خارجی، تعیین نشانه ای طبیعی است.»
- و نیز بیان داشته اند :
- «در مساله بلوغ، شارع نشانه های طبیعی، چون احتلام و رویش مو را مطرح کرده، پس این امر که حیض، نشانه بلوغ باشد، چندان بعید نیست.»
14. نشانه بلوغ باید دائمی باشد، یا غالبی و روایات نه سال با واقعیت خارجی برابری ندارد.
15. ازدواج امری تعبدی نیست، زیرا پیش از نه سال هم برای ولی مشروع بوده است. ازدواج به عنوان امری طبیعی و خارجی به معنای آمادگی جسمی برای ازدواج مطرح شده، پس نه سال نشانه حصول این آمادگی؛ یعنی بلوغ می باشد و اصل، بلوغ می باشد نه سن.
16. از مستندات باورمندان به نه سال، شهرت است که در شهرت باید توجه داشت، به دلیل روایات معارض، روی گرداندن از مشهور زشت و نکوهیده نیست.
17. بعد از تعارض و تعادل یا تساقط دو دسته روایات، مرجع کتاب و سنت می شود که قاعدگی و بلوغ نکاح را میزان بلوغ معرفی کرده اند.
18. علمای شیعه پانزده سال را برای پسر و نه سال را برای دختر نمایانگر بلوغ دانسته اند در قانون مدنی جمهوری

اسلامی ایران نیز، همین مطلب آمده است و این براساس پاره ای از احادیث است، ولی ما از راه قانون تحول اجتهاد، با تحول زمان و شرایط ویژگیهای موضوعات می توانیم بگوییم : حاصل شدن بلوغ در نه سالگی برای دختران در زمان صدور روایات بود، نه دخترانی که در این زمان هستند؛ زیرا دختران در روزگار معصومان به نشانه های بلوغ، که حیض و حمل باشد، در نه سالگی دست می یافتند و بیش تر آنان در سن یاد شده عادت ماهانه می شدند، پس می توانیم بگوییم نه سالگی برای حاصل شدن بلوغ آنها موضوعیت ندارد، بلکه طریقت دارد. در آن زمان که نه سال گفته شده، از باب تعیین مصداق بوده است. پس معیار و میزان برای پیدایش بلوغ، عادت ماهانه است، نه نه سالگی.

19. بسیاری بر این باورند : علت آن که در روایات نه سالگی زمان بلوغ اعلام شده، آن است که در عربستان هوا گرم بوده و در مناطق گرمسیر بلوغ جنسی زودتر واقع می شود.

20. لازمه پذیرش نه سال، کنار گذاردن بسیاری از روایات است که در آن حیض بیان شده است.

دلیل های واجب شدن کارهای عبادی و اجتماعی دختران از 9 سالگی 1. بیش از بیست روایت که سند پاره ای صحیح و پاره ای گمان به درستی آنها می رود، دلالت دارند که دختران از نه سالگی باید به عبادت بپردازند و مسؤول کارهایی که انجام می دهند خواهند بود و قانون بر آنان جاری می شود.

2. شهرت؛ با توجه به این امر که مساله مورد نیاز همگان بوده و مسلمانان در امر ازدواج، طلاق، دادوستد، ارث و... پی گیر سن بلوغ دختران بوده اند، پس بی گمان از امام (ع) زیاد پرسش می شده و امام جواب می فرموده؛ از این روی، قول مشهور، برابر نظر معصوم بوده است و نمی توان پذیرفت معصومان (ع) در پاسخ پرسشهای مکرر شیعیان، 13 سال یا زمان پدید آمدن حیض را هنگام واجب شدن کارهای عبادی بیان کرده اند، ولی فقها همگی رای به خلاف آن داده اند.

3. در صورت ناسازگاری روایات، برابر امر : «خذ بما اشتهر بین اصحابک» می بایست عمل کرد.

4. شماری 9 سالگی را سن بلوغ دختران و زمان واجب شدن کارهای عبادی دانسته اند و بر آن، ادعای اجماع کرده اند، مانند : ابن ادریس در سرائر، صاحب جواهر، شیخ طوسی و ابن زهره. (120)

5. ما علم اجمالی به یکی از دو حجت داریم :

الف. یا اجماع فقها، بدون استناد به روایات تحقق یافته (اجماع بر 9 سال و یا دست کم اجماع بر این که 13

سالگی سن بلوغ نیست یا اجماع بر جدا نبودن تکلیفها) و خود به عنوان دلیل کاشف و مستقل حجت است.

ب. یا روایات، مورد استناد فقها بوده که شهرت استنادیه، سبب قوت اسناد روایات می گردد.

6. دلیل های تکلیفها، فراگیرند و همه انسانها را در بر می گیرند. دلیل های دلالت کننده بر برداشته شدن قلم از

کودک، کودکان را جدا کرده است. احادیث می گویند در 9 سالگی، یتیم و کودکی از بین می رود.

7. روایت یزید کناسی (حدیث 21 از احادیث 9 سال) دلالت روشن بر این مطلب دارد که 9 سال سن بلوغ دختر

(در امر ازدواج و اقامه حدود) است، اگر دختر در این سن خون حیض ندیده باشد، روایت حمران (حدیث 14 از

احادیث 9 سال) نیز دلالت بر جایز بودن آمیزش پس از نه سال و پیش از پدید آمدن حیض می کند پس در این

دو روایت، به روشنی بیان شده که سن مطرح است، اگر چه دختر خون ندیده باشد.

باورمندان به بلوغ دختر در 9 سالگی، رای افرادی را که دختران را از زمان پدید آمدن حیض مورد خطاب شارع می

دانند و بر آنان واجب می دانند که به دستورهای او گردن نهند، قبول ندارند و دلیلهایی برای این نظر بیان می

دارند :

1. زمان واجب شدن انجام دستورهای خداوند بر افراد، یک زمان است و نمی توان بین زمان انجام دستورها، جدایی انداخت و هر دستوری را در زمان خاصی لازم دانست. این مطلب برابر اجماع فقها بوده و هیچ یک از پیشینیان باورمند به جدایی نشده است. لسان روایات نیز مؤید این مطلب است و عنوان نوشته شدن حسنات و سیئات، یا ذهاب یتیم یا وجوب فرائض در روایات، برای یک زمان، مطرح شده است؛ از این روی، تمامی دستورهای فردی و اجتماعی را در بر می گیرند. عنوانهایی چون : جایز بودن آمیزش و واجب بودن شماری از کارهای عبادی و اجرای حد در یک زمان نیز جهت تاکید بر همان عنوانهای کلی است.
 2. در صورتی که سن را برداریم و زمان حیض را زمان واجب بودن دستورهای شارع بدانیم، مواردی که دختران هرگز حیض نمی شوند، آیا هرگز دستوری بر عهده ندارند؟
 3. در صورت واجب بودن انجام دستورها، در زمان وقوع حیض، آیا مواردی که دختران بلوغ دیررس دارند و کم هم نیست، دختر در سن بالا، مانند : 16 یا 17 سالگی مکلف می گردد؟
 4. به نظر می رسد حکم به اجرای حد بر دختر 10 ساله ای که حیض شده و حکم به اجرا نکردن حد بر دختر 16 ساله ای که هنوز حیض نشده است، درست نباشد.
 5. در صورت حذف سن و واجب بودن انجام دستورها هنگام وقوع حیض، در قانونهای اجتماعی، بویژه در قانونهای جزایی، جامعه، دچار گرفتاریهای فراوان خواهد شد؛ زیرا راه آگاه شدن از حیض شخصی که قرار است بر او حکم جاری شود، خود اوست و بی گمان هنگام حکم به اجرای حدود یا قصاص یا دیات، منکر حیض خود خواهند شد و ثابت کردن آن به وسیله دیگران بسیار مشکل است.
- نکته : به دلیل گرفتاریهای موجود در حذف سن، دیده می شود در قانونهای همه کشورها، سن خاص در مباحث قانون جزا، حقوق مدنی و دادوستدها مطرح شده است. سن امری است که ثابت کردن آن برای دیگران، بسیار آسان است.
- عقیده مندان به نه سال در پاسخ دلیلهای گروهی که وقوع حیض را مطرح می کنند، به ترتیب دلیلهای وارده چنین می گویند :
1. اگر در آیات سنی برای بلوغ مطرح نشده است، دلیل بر مدعای مورد نظر نیست، چه بسا مسائلی که تمامی مسلمانان اتفاق بر وجوب آن دارند و از مسائل روشن و بی خدشه فقهی است، ولی در آیات قرآن برخلاف این که زمان حاجت آنان بوده، ذکری به میان نیامده است و بیان مطلب به عهده پیامبر(ص) واگذار شده است؛ از این روی، پیامبر(ص) با گفتار یا عمل خویش، آن موضوع را برای مسلمانان روشن می فرمود. اگر در قرآن بارها امر به اقامه نماز شده است، آیا چگونگی گزاردن آن در اوقات پنجگانه نیز بیان شده؟ بی گمان عصر نزول آیات قرآن، زمان حاجت به بیان چگونگی ادای نماز بوده است. مسلمانان نیز هرگز تردیدی در سه رکعتی بودن نماز مغرب یا دو رکعت بودن نماز صبح نداشته و ندارند؛ چرا که پیامبر(ص) این امر و امور بسیار دیگری را در عمل و گفتار برای مسلمانان روشن فرموده است.
 2. استثنا به آیه «نساءکم حرث لکم» نیز در اثبات مدعا فایده ای نخواهد داشت. آیه در مقام بیان مطلبی دیگر است و زمان روایی ازدواج را بیان نمی کند. برابر مدعای این گوینده، زمانی که زنان یائسه شده و دیگر تخمک گذاری نداشته و در نتیجه شایستگی تولید فرزند ندارند، همگی باید طلاق داده شوند یا ازدواج آنان فسخ گردد! آیا چنین ادعایی را می توان پذیرفت؟ افزون بر این، روایات بسیاری، نفی کننده ادعای گوینده در تفسیر آیه شریفه

اند.

3. این مطلب که از پیامبر(ص) روایتی در مورد سن نداریم نیز، دلیل بر ادعای یاد شده نیست. با گذری اندک بر تاریخ تدوین و نیز نقل حدیث و با توجه به بازداري از نگارش احادیث پیامبر(ص) در سالیان مدید، روشن می گردد که در موارد بسیاری، بر خلاف آن که مسائلی مورد نیاز مسلمانان بوده، حدیثی از پیامبر(ص) به دست ما نرسیده است و همگان باور دارند : از پیامبر(ص) روایات بسیاری از بین رفته است. آنچه که ائمه (ع) بیان می فرموده اند نیز، در حقیقت، چیزی جز احیای سنت نبوی نبوده است. هیچ یک از امامان معصوم (ع) بر آن نبوده که شریعتی جدید پدید آورد و تنها شریعت محمدی را روشن می فرموده اند.

از این روی، بیش از بیست روایت از امامان (ع) که سن 9 سال را مطرح می کند، در تفسیر همان شریعت رسول الله(ص) آمده است.

شیعه به دلیل دیدگاه کلامی خویش درباره علم و عصمت ائمه(ص) و جایگاه امامت و وظیفه امت نسبت به امام، هرگز در قوانین، به کتاب خدا و کلام پیامبر(ص) که در دسترس باقی مانده بسنده نمی کند؛ از این روی مستند بیش تر احکام فقهی روایات وارده از امام باقر و امام صادق (ع) است که در عصری می زیستند که امکان روشن گری اسلام ناب محمدی(ص) وجود داشته است. اگر بنابر آن باشد که روایات این دو امام، اگر توسط امامان پیش از ایشان به دست ما نرسیده قابل عمل نباشد، می بایست قائل به تعطیل بیش تر احکام فقهی شد.

4. هر چند روایاتی زمان حیض را در انجام دستورهای شرعی مطرح کرده، ولی باید توجه داشت که :
الف. در مجموعه این روایات، تنها زمان واجب بودن روزه، حجاب و پوشش و ج بستگی به حیض دارد و در حدیثی نیز حد بر دختری که دست به دزدی زده و هنوز حیض نمی شده اجرا نگردیده، ولی دیگر کارهای شرعی و انجام دیگر دستورها، بستگی به حیض شدن دختر ندارند و در بین فقهای پیشین نیز، اجماع بر جدا نبودن زمان واجب شدن دستورهای شرعی بوده است. از طرفی در روایات نه سال نیز، بارها زمان وجوب همه تکلیفها (با عنوان زمان نوشته شدن خوبیه و بدیه و زمان پایان پذیرفتن کودکی، حد بلوغ دختر، زمان واجب شدن دستورهای شرعی) نه سالگی دختر مطرح شده است.

ب. قرینه «ذلک انها تحيض لتسع سنين»، در حدیث 2 از احادیث نه سال، بیان می دارد که دستورهای شرعی برای دختر از نه سالگی واجب می شود و نه سالگی زمان امکان حیض است احادیث دیگری نیز بیان می داشت :
نه سالگی سن امکان حیض است و پیش از آن «سن من تحيض» (سن امکان حیض) نیست و این همان مطلبی است که امروزه نیز متخصصان علم پزشکی بیان می دارند : زمان حیض دختر در جهان (و نه در منطقه خاص جغرافیایی) از نه سالگی تا 16 سالگی است و اگر پیش از نه سالگی چنین پدیده ای رخ داد، به معنای بلوغ زودرس است و از نظر علم پزشکی به منزله نوعی بیماری است.

ج. روایاتی نیز به روشنی دلالت بر این امر داشت که در برخی تکلیفها، سن 9 سال ملاک است، حتی اگر دختر حیض نشده باشد.

5. مراد از روایاتی که بلوغ را در پاره ای از تکلیفها مطرح می کنند، به نشانه روایات دیگر مشخص می گردد. در روایت، به روشنی حد بلوغ دختر 9 سال مطرح شده است.

6. همان گونه که بیان شد به نظر می رسد به دلیل احتلام در دختران و نیز به دلیل رویارویی که بین حیض و احتلام در متن پاره ای از روایات بحث احتلام آمده، مراد از حلم در روایات، احتلام در پسران باشد. افزون بر آن،

بحثی وجود دارد که آیا احتلام در دختران پیش از ازدواج واقع می شود یا خیر و اگر واقع می شود، چگونه است؟
7. شماری گوناگون بیان شدن سن (9، 10، 13) در روایات را دلیل بر مدعای خود گرفته اند :
الف. اگر ملاک حیض بود، چرا سن مطرح شده است؟

ب. مگر امامان (ع) عالم به تغییر زمان حیض در مکانها و زمانهای گوناگون و... نبودند؟ چرا در پاسخ در همه موارد، نمی فرمودند : «اذا حاضت» و با توجه به این که می دانستند، کلام ایشان برای همه شیعیان در همه عصرها حجت به شمار می آید، چرا سن خاص را مطرح کرده اند؟ این مساله امری روشن است که حتی در بین دختران یک شهر و یک فامیل، زمان پدیداری حیض، گوناگون است. و مردان عادی با علم معمولی خویش، این نکته را می دانند، چه رسد به امام معصوم.

8. شماری قید «ذلک انها تحيض لتسع سنين» را قرینه بر این مساله گرفته اند که حیض، ملاک است، نه سن. به نظر می رسد : این استدلال منطقی نباشد؛ زیرا مراد از این روایت این است که نه سالگی زمانی است که امکان پدیدآمدن حیض وجود دارد؛ از این روی از همان زمان که امکان حیض شدن دختر وجود دارد، می بایست دختران به دستورهای شرعی، جامه عمل پوشند. روایت امام صادق (ع) : «اذا کمل لها تسع سنين امکن حیضها..» (121) و نیز حدیث 10 از احادیث نه سال : «ما لم تبلغ تسع سنين فانها لاتحيض و مثلها لاتحيض» این مطلب را تأیید می کنند.

9. قید «اذا تزوجت و دخل لها تسع سنين» نیز قرینه بر مدعا نیست؛ زیرا ده روایت از احادیث نه سال، زمان روا بودن آمیزش را نه سال بیان کرده است. پس در خود روایات مراد از «اذا تزوجت و دخل بها» روشن شده که نه سالگی است.

10. تردید در روشن ساختن سن نیز تأیید سخن نیست. صاحب جواهر می نویسد : تردید از راوی است (122) و صاحب وسائل نیز زیادی را به شیخ طوسی نسبت داده است. (123)

11. این که در پاره ای از روایات جایز بودن دست یازی بر مال، بر سن خاص مترتب شده، حال آن که بی گمان رشد نیز لازم است، ثابت نمی کند که سن در شرایطی فرض شده که کودک رشید گردیده است؛ زیرا در این احادیث یکی از شرایط تصرف مالی که بلوغ سنی باشد، ذکر شده و در دیگر روایتها شرطهای دیگر بیان شده است.
12. شماری می گویند : برای موضوع خارجی طبیعی، مانند : بلوغ، باید نشانه طبیعی وجود داشته باشد.

در جواب گفته اند : با توجه به این که در روایات بسیاری، سن خاص مطرح شده، روشن می گردد که واجب بودن تکلیف بستگی به بلوغ جنسی ندارد (تا نشانه آن هم تکوینی باشد) و باید توجه داشت که واژه بلوغ در کلام فقها، به معنای ابتدای زمان واجب شدن انجام دستورهای شرعی است، حال آن که واژه بلوغ در کلام پزشکان و... به معنای زمان ظهور علائم ثانویه جنسی است. در حقیقت، این لفظ با دو معنای گونه گون به کار می رود. اگر در روایات بیان شده بود که نماز بر دختر بالغ واجب می شود، می توان گفت : بلوغ دختر را باید از راه حیض یا... بازشناخت، ولی در روایات از ابتدا، واجب شدن انجام دستورهای شرعی بر دختر در سن خاص مطرح شده است. افزون بر این، به طور معمول، واژه بلوغ در روایات به معنای بلوغ جنسی به کار نمی رفته، بلکه به معنای رسیدن به مرز واجب شدن انجام دستورهای شرعی مطرح می شده، از جمله در روایت اول که آمده : «حد بلوغ المرأة تسع سنين» در روایاتی که آمده : «پایان کودکی دختر 9 سال است» نیز، به همین مطلب اشاره شده است.
(124)

این نکته درخور توجه است : بلوغ در روایات، به معنای رسیدن است و نشانه ای که پدیدار می شده، می رسانده

که مراد از بلوغ، بلوغ چه امری است. در مثل، بلوغ نکاح رسیدن به حد ازدواج یا بلوغ حلم به معنای رسیدن به حد احتلام یا... است.

13. در طرح این امر که نشانه بلوغ باید همیشگی یا غالبی باشد، باید گفت: با توجه به مطالب یاد شده در بالا نمی توان ادعا کرد روایات 9 سال، چون با واقعیت خارجی برابری ندارند، درخور پذیرش نیستند، بویژه اگر بلوغ جنسی نیز، مد نظر باشد، نه سال به طور کامل درخور پذیرش هستند، نه از جهت همیشگی، یا غالبی بودن نشانه بلوغ، بلکه از جهت ابتدای زمان امکان بلوغ جنسی.

14. در جواب دلیل پانزدهم اشاره به روایاتی می شود که تزویج به معنای آمیزش مطرح شده و نه عقد نکاح و روشن است که هر چند عقد نکاح پیش از نه سال نیز جایز است، ولی آمیزش از نه سال به بعد رواست.

15. به نظر می رسد اصلی ترین موضوع درخور بحث نحوه برخورد با روایات است. باورمندان به نه سال بین روایات جمع کرده اند بدین گونه: سن واجب شدن دستورها و آیینهای شرعی، نه سال است که در همین زمان، حیض نیز امکان دارد پدید آید. روایات ده سال نیز، به معنای پایان نه سال و شروع ده سالگی است. آنان تنها روایات 13 سال را نپذیرفته اند به این دلیل که:

الف. ضعف در سند وجود دارد، به دلیل وجود عمار ساباطی در سلسله روات این حدیث که روایات نادر در فقه دارد (125) و نیز احمدبن که فطحی مذهب بوده است.

ب. در این روایات سن واجب شدن انجام دستورهای شرعی برای پسران 13 سال یاد شده که مخالف اجماع همه فقیهان شیعه و نیز همه مسلمانان است.

ج. در این احادیث سن واجب شدن انجام دستورها و آیینهای شرعی برای دختران و پسران یکسان یاد شده که مخالف اجماع فقیهان است.

د. در تعارض بین روایات 9 و 13، روایت 13 سال نادر است و امام صادق (ع) به عمر بن حنظله فرمودند: «ویترک الشاذ الذی لیس بمشهور عند اصحابک».

این گروه شهرت را نیز، برتری دهند و تاییدکننده نظر خویش دانسته اند (دلایلهای 3 و 5 یاد شده در نه سال). باورمندان به واجب بودن انجام دستورهای شرعی از زمان وقوع حیض، بین روایات بدین گونه جمع کرده اند: در روایاتی که سن مطرح شده سن موضوعیت ندارد، بلکه طریقت دارد؛ بنابراین، یک گروه، احادیث را ناسازگار نیافته و گروه دیگر در هنگام ناسازگاری روایات، برتری دهنده ای یافته اند؛ از این روی، هیچ یک به ساقط شدن این دو گروه از روایات نظر نداده اند.

16 و 17. آنان که بیان سن نه را در کلام معصوم به دلیل بلوغ دختران در آن زمان و در عربستان می دانند، لازم است به نکاتی چند توجه کنند:

الف. ائمه (ع) علم به تغییر زمان حیض دختران در همان عصر به نسبت مکانها و شرایط مختلف داشته اند. بسیاری از پرسش کنندگان از امام صادق یا امام باقر (ع) در همان عصر نیز اهل خراسان، ری، قم و... بوده اند که منطقه آنها از منطقه های گرمسیر به شمار نمی آمده اند.

ب. با توجه با این که عوامل چندی چون نوع تغذیه، بهداشت، ارث و... در زمان پدیدآمدن حیض تاثیر دارند. بی گمان امام (ع) به دلیل این که فرد اهل عربستان است، سن 9 سال را مطرح نمی کند؛ چرا که یقین دارد دختران عربستان نیز در سنهای گوناگونی حیض می شوند. روایات «فی سن من تحيض» نیز بیانگر علم امام (ع) است که شماری از دختران در سنی که باید حائض شوند قرار گرفته اند، ولی هنوز خون حیض ندیده اند.

ج. آماری که از زمان حیض سه نسل پشت سر هم (مادربزرگها، مادرها، دخترها) در ایران گرفته شده نشان داده است که با گذشت زمان، زمان حیض دختران پایین تر می آید، نه این که بالاتر رود. در کشورهای اروپایی نیز، بعضی پژوهشگران ابراز داشته اند : در چند دهه اخیر هر ده سال دخترها حدود 3 تا 4 ماه زودتر از سنهایی که پیش از این بالغ می شدند، به بلوغ می رسند؛ زیرا همیشه چگونگی تغذیه افراد و بهداشت آنان رو به بهبود بوده است و نیز عوامل محرک جنسی از قبیل عکس، کتاب، فیلم و... بیش تر شده است. حال باید گفت : به چه دلیل می توان ثابت کرد که در عصر ائمه (ع) همه، یا بیش تر دختران در نه سالگی حیض می شده اند و اکنون در سنهای بالاتر؟